

سیاست‌های سازگاری طبقات فرودست در مواجهه با پیامدهای فقدان اوراق هویتی مطالعه موردی: افراد فاقد سند هویتی ساکن در حاشیه شهر مشهد

مجید فولادیان* ، سیدحسین وزیری**

جمال طوسی فر*** ، زهرا برادران کاشانی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۸

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی سیاست‌های سازگاری افراد فاقد سند هویتی ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد در زمینه دستیابی به آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، مسکن، اشتغال و تأمین اجتماعی انجام شده است. همچنین هدف دیگر این پژوهش، بررسی مشکلات و محرومیت‌هایی است که این افراد با آن‌ها روبه‌رو هستند و نیز شناسایی نحوه خروج آنان از این مشکلات و محدودیت‌هاست. در پژوهش حاضر از روش نظریه زمینه‌ای که یکی از روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است، برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش مطالعه تمامی افراد فاقد سند هویتی ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی در مناطق شهرداری شهر مشهد در سال ۱۳۹۵ بودند که حداقل پنج سال از سکونت آنها در این مناطق گذشته بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌عمیق و نیمه ساختاریافته استفاده شد. نوع نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری با حداکثر تنوع بود. یافته‌های حاصل از اجرای مصاحبه‌ها در دو بخش شامل مشکلات و محرومیت‌های افراد فاقد سند هویتی و سیاست‌های رفاهی اتخاذ شده توسط آن‌ها ارائه شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد مشکلات و محرومیت‌های افراد فاقد سند هویتی در «توانایی اندک آن‌ها در استفاده از فرصت‌هایی که جامعه برای اعضای دارای مدرک شناسایی فراهم کرده است» خلاصه می‌شود. شانس کم تحصیل و ازدواج رسمی، برخوردار نبودن از تسهیلات و خدمات رفاهی جامعه، پایدار نبودن اشتغال آن‌ها و روی آوردن به مشاغل کم‌درآمد ویدی، از

* دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول). fouladiyan@ut.ac.ir

** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. vaziri@gmail.com

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی؟؟؟؟ jamal_toosi@yahoo.com

**** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

zahra.baradrankashani@mail.um.ac.ir

مهم‌ترین محرومیت‌ها و مشکلات موجود در زندگی افراد فاقد سند هویتی است؛ در نتیجه افراد فاقد سند هویتی با توجه به موقعیت ساختاری خود و به‌منظور حل مشکلات و محرومیت‌های خود، اجتماع شبه‌اشتراکی را تشکیل داده‌اند. این افراد توانسته‌اند وضعیتی را در این اجتماع به وجود آورند تا مشکلات خود را حل کنند و سیاست‌های رفاهی متنوعی را در حوزه‌های مختلف به‌منظور جهت بهبود وضعیت رفاهی خود به‌کارگیرند.

واژه‌های کلیدی: سیاست سازگاری، افراد فاقد سند هویتی، نظریه زمینه‌ای، حوزه رفاهی، اجتماع شبه‌اشتراکی.

مقدمه و بیان مسئله

توسعه فیزیکی سریع و نامتعادل شهرها پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به همراه داشته است. حاشیه‌نشینی یا اسکان غیررسمی افراد به‌عنوان یکی از همین پیامدها به‌نوعی بازتاب اصلی توزیع ناعادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد در جامعه است (امیرفخریان و همکاران، ۱۳۹۱؛ نجفی و همکاران، ۱۳۹۴). در حال حاضر این پدیده در بیشتر شهرهای جهان نمود دارد و بیشترین فضای فکری اندیشمندان حوزه برنامه‌ریزی شهری و توسعه را به خود معطوف کرده است (پارسا‌پژوه، ۱۳۸۱؛ قرخلو و میره، ۱۳۸۶: ۱۱۲). در کشورهای درحال توسعه مانند ایران که صنعت آن وارداتی است، از همان ابتدا حاشیه‌نشینی به اطراف شهرها هدایت شد (پیران، ۱۳۸۰). اسکان غیررسمی در ایران ابتدا بر حاشیه شهرهای بزرگ از جمله تهران، مشهد و تبریز تأثیر گذاشت و به‌شدت رشد و گسترش یافت.

شهر مشهد به لحاظ تعداد خانوارهای مهاجر، مقام دوم را در کشور به خود اختصاص داده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۳). به‌علاوه، مجموع جمعیت حاشیه‌نشین شهر مشهد از جمعیت استان‌های ایلام، سمنان و کهگیلویه و بویراحمد و ۲۱ مرکز استان بیشتر است و متوسط نرخ رشد جمعیت حاشیه‌نشین در مشهد چهار برابر نرخ رشد جمعیت شهری کشور

و شش برابر نرخ رشد شهر مشهد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در واقع یک‌سوم جمعیت شهر مشهد حاشیه‌نشین هستند (یوسفی و ورشویی، ۱۳۸۹).

حاشیه‌نشینی با تمام ابعاد و ویژگی‌هایی که دارد، معضلات متعددی را برای شهرها و اجتماعات شهری به وجود آورده است (قرخلو و میره، ۱۳۸۶). از آنجا که بی‌توجهی به معضلات پیرامون شهرها موجب تهدید متن شهر می‌شود، لزوم توجه به این سکونتگاه‌ها که مجموعه‌ای از مشکلات را دارند، ضروری است؛ مشکلاتی که نه تنها به موضوعات کالبدی و فیزیکی ختم نمی‌شود، بلکه به بروز معضلات اجتماعی و فرهنگی نیز می‌انجامد (خواججه‌صالحانی و اعظم‌آزاده، ۱۳۹۴). یکی از فجیع‌ترین نتایج رشد شهرها تعداد بی‌شمار افراد فقیری است که در حاشیه شهرها و در مساکن غیررسمی به گذران عمر مشغول‌اند و از امکانات مناسبی برخوردار نیستند (شیخی و امانیان، ۱۳۸۹).

حاشیه‌نشینان در قلمرو زندگی اقتصادی-اجتماعی شهرها به سر می‌برند، اما در نظام اجتماعی شهر ادغام نشده‌اند و جزو شهروندان رسمی جامعه تلقی نمی‌شوند. گسست حاشیه‌نشینان از جامعه شهری و ویژگی زیست حاشیه‌ای، شکل و نوع مسکن، مهارت‌های شغلی و خصلت روابط اجتماعی، آن‌ها را از شهروندان متمایز می‌کند. مجهز نبودن حاشیه‌نشینان به مهارت‌های حرفه‌ای و ناتوانی در پیوستن آن‌ها به روابط رسمی اقتصاد شهر و بیکاری مداوم، آن‌ها را بیش از دیگران آسیب‌پذیر می‌کند (آقابخشی، ۱۳۸۱). در این بین افرادی نیز در سکونتگاه‌های غیررسمی مشهد سکونت دارند که به لحاظ قانونی فاقد هرگونه سند هویتی هستند. به نظر می‌رسد تعداد چشمگیری کودک بدون شناسنامه در ایران وجود دارد (طالبی و ملکوتی، ۱۳۹۳). در واقع این افراد مشمول جمعیت غیررسمی و پنهان سکونتگاه‌های غیررسمی ایران از جمله شهر مشهد می‌شوند و به دلیل فقدان مدارک هویتی از بیشتر خدمات و امتیازات رفاهی محروم‌اند؛ زیرا دولت این افراد را از دسترسی به امکانات و خدمات رفاهی که بقیه اعضای جامعه از آن‌ها بهره‌مندند، بی‌نصیب کرده است. در حقیقت طبق شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه، افراد فاقد هویت از حوزه فعالیت‌های رسمی اقتصادی خارج می‌شوند و امکان مشارکت در سطوح مختلف جامعه را

ندارند. آن‌ها نمی‌توانند در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری مشارکت کنند یا بر آن‌ها تأثیر بگذارند، اما نباید فکر کرد آن‌ها از این لحاظ در حاشیه قرار گرفته‌اند (شیخی و امانیان، ۱۳۸۹). محرومیت اجتماعی افراد فاقد سند هویتی سبب می‌شود تا بررسی شیوه‌ها و مدل‌هایی در نظام رفاهی کشور مدنظر قرار گیرد که این افراد به کار می‌گیرند تا به رفاه و حد مقبولی از زندگی اجتماعی دست یابند؛ زیرا محدودیت‌ها و قیود اجتماعی، شرایط خانواده و محیط زندگی، نابرابری‌های موجود در صحنه فعالیت‌های اقتصادی جامعه همچون برخورداری از فرصت‌های شغلی یا امکانات و منابع اقتصادی و بسیاری موارد می‌تواند بر سطح زندگی و حتی انگیزه‌های فردی و اعتماد به نفس شخصی تأثیر بگذارند (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴).

سکونت افراد فاقد سند هویتی در حاشیه شهر مشهد یکی از مسائلی است که بی‌توجهی به آن در بلندمدت می‌تواند پیامدهای منفی زیادی برای مدیریت شهری ایجاد کند. همچنین پیامدهای به کارگیری روش اشتباه برای برخورد با این پدیده از بی‌توجهی به آن کمتر نیست. بی‌توجهی به قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد فاقد سند هویتی و ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی در کنار محرومیت و طردشدگی آن‌ها و مطالعه دقیق نکردن درباره آن‌ها، لزوم بررسی سیاست‌های سازگاری‌ای که این افراد به کار می‌گیرند تا وضعیت زندگی خود را بهبود دهند را دوجندان کرده است؛ به عبارت دیگر، بررسی شیوه‌هایی که این افراد سطوحی از رفاه را برای خود کسب می‌کنند، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا رفاه و آرامش حاصل ارضای نیازهاست (صدیق‌اورعی و صدیق‌اورعی، ۱۳۹۳)؛ از این رو بررسی و فهم سیاست‌های سازگاری افراد به خصوص افراد فاقد سند هویتی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ زیرا موجب می‌شود درباره فعالیت‌های این قشر که به نوعی محرومیت اجتماعی دارند، به شناخت مناسبی دست یابیم. پژوهش‌های نسبتاً فراوانی در این زمینه انجام شده است، اما تاکنون در هیچ پژوهشی سیاست‌های سازگاری افراد فاقد سند هویتی به منظور دستیابی به زندگی مطلوب بررسی نشده است.

برای شناخت همه‌جانبه افراد فاقد سند هویتی باید فهمی موشکافانه و دقیق را به کار گرفت تا بتوان به همه جوانب زندگی این افراد پی برد (شیخی و امانیان، ۱۳۸۹)؛ بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناسایی راهبردها و مدل‌های بهبودی وضعیت رفاهی افراد فاقد سند هویتی ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد در حوزه‌های مختلف رفاهی شامل ازدواج، اشتغال، مسکن، تحصیل و آموزش، بهداشت و درمان، تفریحات، وسایل ارتباطی و تأمین اجتماعی است. به‌علاوه در این پژوهش به بررسی مشکلات و محرومیت‌هایی که این افراد با آن‌ها روبه‌رو هستند و شناسایی نحوه خرویشان از این مشکلات و محدودیت‌ها نیز پرداخته خواهد شد. یافته‌های این پژوهش به پژوهشگران و سیاست‌گذاران اجتماعی کمک خواهد کرد تا درباره مدل‌های رفاهی افراد فاقد سند هویتی به شناخت دست یابند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی زیادی در حیطه آسیب‌های اجتماعی انجام شده‌اند که به مسئله حاشیه‌نشینی و مسائل مرتبط با آن پرداخته‌اند، اما درباره موضوع پژوهش حاضر تاکنون پژوهش مدونی صورت نگرفته است؛ بنابراین با توجه به اینکه افراد فاقد سند هویتی غالباً در مناطق حاشیه و غیررسمی شهرها زندگی می‌کنند، می‌توان مسائل و مقولات موجود در بین ساکنان این مناطق را برای افراد فاقد سند هویتی نیز در نظر گرفت؛ زیرا این افراد جزئی از ساکنان حاشیه‌نشین محسوب می‌شوند؛ بر این اساس، در این پژوهش مسائل و مقولات موجود در بین حاشیه‌نشینان که در پژوهش‌های انجام شده به‌دست آمده‌اند، بررسی شده است و با جامعه آماری این تحقیق که افراد فاقد سند هویتی هستند، ارتباط داده شده‌اند. با بررسی دقیق پیشینه تحقیق که پژوهشگران این مطالعه انجام داده‌اند، مقولات مرتبط با مسائل و شرایط رفاهی حاشیه‌نشینان در سه محور دسته‌بندی شده است که شامل نتایج ناظر بر وضع موجود، نتایج ناظر بر نحوه اثرگذاری مقوله و شرایط ناظر بر سیاست‌های اتخاذ شده است (جداول ۱، ۲ و ۳).

جدول ۱- نتایج ناظر بر وضع موجود

منابع	نتایج ناظر بر وضع موجود	مقولات اصلی
نقدی و زارع (۱۳۸۹)، علاءالدینی و همکاران (۱۳۹۰)، شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، Abbasi-et al. (2012) Abbasi-Shavazi Shavazi & Sadegh (2015)	سطح پایین تحصیلات	تحصیل و آموزش
	نبود امکان پیشرفت تحصیلی	
	ارتقای تحصیلی نسل‌های دوم و سوم حاشیه‌نشین در مقایسه با والدین خود	
	کمبود امکانات آموزشی و سطح کیفیت پایین آن‌ها	
ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۳)، پورمحمدی و جهانبین (۱۳۸۸)	پوشش بیمه‌ای نداشتن حاشیه‌نشینان	بهداشت و درمان
	نامشخص بودن وضعیت معالجه در صورت ابتلا به بیماری	
	وجود خانه بهداشت در محلات حاشیه‌نشین	
	توانایی نداشتن در مراجعه به دکتر در هنگام وقوع بیماری	
ناریان ^۱ و همکاران (۲۰۰۰)، فکوهی و پارساپژوه (۱۳۸۷)، علاءالدینی و همکاران (۱۳۹۰)، شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، خاکپور (۱۳۹۴)، سالاروندیان و همکاران (۱۳۹۵)	بیشتر بودن میزان اشتغال مردان در مقایسه با زنان	اشتغال و کسب درآمد (فقر)
	وجود اقتصاد غیررسمی	
	اشتغال افراد در مشاغل غیررسمی	
	نرخ زیاد بیکاری	
	اشتغال مردان به مشاغل پیدی و کارگری و اشتغال زنان به مشاغل خانگی	
	چندشغله بودن شاغلان	
	ناپایداری مشاغل	
	درآمد اندک شاغلان	
	اشتغال به مشاغل کم‌درآمد به دلیل نداشتن مهارت و تخصص	
	نرخ زیاد خوداشتغالی	
نبود قرارداد رسمی بین کارگر و کارفرما		
فکوهی و پارساپژوه (۱۳۸۷)، پورمحمدی و جهانبین	مالکیت و ساخت مسکن به صورت غیررسمی و قولنامه‌ای	مسکن و زیرساخت‌های
	اجاره مسکن به دلیل ضعف مالی	

مقولات اصلی	نتایج ناظر بر وضع موجود	منابع
شهری	سکونت در منازل اجاره‌ای	(۱۳۸۸)، نقدی و زارع
	تلاش برای تهیه مسکن شخصی	(۱۳۸۹)، علاءالدینی و دیگران (۱۳۹۰)، شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، نجفی و همکاران (۱۳۹۴)
	برخوردار نبودن از زیرساخت‌های مناسب شهری	
	کیفیت نامناسب وضعیت زیست‌محیطی	
	وجود رابطه بین شرایط کالبدی و نگرش حاشیه‌نشینان	
بحران‌های آینده	وابستگی مالی به اعضای خانواده در هنگام بیکاری	ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۳)
توانایی و ظرفیت‌های حاشیه‌نشینان	جوانی جمعیت	صادقی (۱۳۸۹)، نقدی و زارع (۱۳۸۹)، علاءالدینی و همکاران (۱۳۹۰)، شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، خاکپور (۱۳۹۴)، فتح زاده و زاهد زاهدانی (۱۳۹۴)، نجفی و همکاران (۱۳۹۴)، سالاروندیان و همکاران (۱۳۹۵)
	پیوندهای قومی قوی بین ساکنان (همسایگان)	
	وجود رابطه بین پیوندهای درون‌گروهی با پیوندهای اجتماعی بین افراد	
	ضعیف‌بودن انسجام و ارتباط حاشیه‌نشینان با سایر افراد جامعه	
	سنتی بودن پیوندها و روابط اجتماعی	
	داشتن روحیه بالای مشارکت	
	حضور و فعالیت تشکل‌های در محله	
	سطح توانمندی بالای افراد حاشیه‌نشین	
	وجود ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توانمندی افراد	
	طرد اجتماعی حاشیه‌نشینان	متفاوت بودن احساس طرد اجتماعی بین زنان و مردان در سنین مختلف
افزایش احساس طرد اجتماعی همراه با افزایش تحصیلات		
کاهش احساس طرد اجتماعی بر اساس افزایش تعصب و تعلق قومی		
کاهش احساس طرد اجتماعی بر اساس نگرش منفی به هنجارهای قومی		
ادغام‌پذیر نبودن ساکنان		
فقر اقتصادی عامل طردشدگی اجتماعی		
نبود بافت‌های اقتصادی و تفریحی عامل طردشدگی اجتماعی		
وجود رابطه بین بیکاری و حاشیه‌نشین شدن فرد		
وجود هویت جمعی در بین ساکنان		

جدول ۲- نتایج ناظر بر نحوه اثرگذاری مقوله

منابع	نتایج ناظر بر نحوه اثرگذاری مقوله	مقولات اصلی
علاءالدینی و همکاران (۱۳۹۰)	مؤثر بودن مهاجرت به مناطق حاشیه‌ای در میزان برخورداری از امکانات تحصیلی	تحصیل و آموزش
	افزایش مصرف در افراد دارای سطح تحصیلات بالا	
پارسا‌پژوه (۱۳۸۱)	وجود بیماری‌های مزمن	بهداشت و درمان
	مراجعه به دکتر فقط در مواقع بحرانی	
پورمحمدی و جهان‌بین (۱۳۸۸)، صادقی (۱۳۸۹)، شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰)، سالاروندیان و همکاران (۱۳۹۵)	درآمد اندک شاغلان	اشتغال و کسب درآمد
	مؤثر بودن خوداشتغالی در بهبود وضعیت اقتصادی	
	تبعیض و سوءاستفاده از حاشیه‌نشینان	
ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۳)، صادقی (۱۳۸۹)	تشدید فقر به دلیل نداشتن حق مالکیت	بحران‌های آینده
	ناتوانی در برخورداری از تسهیلات بانکی	
پارسا‌پژوه (۱۳۸۱)، علاءالدینی و همکاران (۱۳۹۰)، سالاروندیان و همکاران (۱۳۹۵)	تمایل به مشارکت مالی به‌منظور بهبود وضعیت زندگی	توانایی و ظرفیت‌های حاشیه‌نشینان
	تنوع مشاغل خودجوش	
	خودکفایی در رفع نیازها	
فکوهی و پارسا‌پژوه (۱۳۸۷)، صادقی (۱۳۸۹)	نگرش منفی ساکنان به نهادهای دولتی و عمومی	طرد اجتماعی حاشیه‌نشینان
	افزایش احساس بیگانگی به دلیل ارتباط سرد افراد خارج از محله با ساکنان	
	منحصر بودن ارتباطات اجتماعی صرفاً اهالی محله	
	محدود بودن فعالیت گروه‌های قومی ساکن در حاشیه شهر	

جدول ۳- شرایط ناظر بر سیاست‌های اتخاذشده

منابع	شرایط ناظر بر سیاست‌های اتخاذشده	مقولات اصلی
	-----	تحصیل و آموزش
	-----	بهداشت و درمان
فکوهی و پارسا‌پژوه (۱۳۸۷)	فراهم کردن زمینه خروج از محله از طریق یافتن شغل رسمی	اشتغال و کسب درآمد
	-----	مسکن و زیرساخت‌های شهری
ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۳)	گرفتن وام در هنگام بروز مشکل مالی	بحران‌های آینده
	-----	توانایی و ظرفیت‌های حاشیه‌نشینان
	-----	طرد اجتماعی حاشیه‌نشینان

یافته‌های پژوهش‌های ذکرشده در جداول ۱، ۲ و ۳ در زمینه حاشیه‌نشینی و شرایط زندگی افراد ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی نشان می‌دهد که غالب این پژوهش‌ها در زمینه وضعیت فیزیکی و کالبدی زندگی حاشیه‌نشینان هستند. تنها در تعدادی از این پژوهش‌ها وضعیت اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های سطحی موجود در محلات حاشیه‌نشین، خصوصیات اجتماعی و جمعیتی ساکنان این محلات بررسی شده است. نکته دیگر آنکه تاکنون در هیچ تحقیقی در کشور، از منظر اجتماعی موضوع سیاست‌های سازگاری افراد فاقد سند هویتی و اکاوی نشده است. یافته‌های عمده پژوهش‌ها در زمینه تحصیل و آموزش و حوزه بهداشت و درمان، توصیف وضع موجود ساکنان این مناطق است. این نوع توصیف غیر عمیق و غیردقیق وضع موجود، تبیین‌کننده سیاست‌های سازگاری افراد در این زمینه نیست. بررسی نتایج پژوهش‌ها گویای این است که در هیچ‌یک از تحقیقات گذشته سیاست‌های حاشیه‌نشینان مدنظر قرار نگرفته است؛ بنابراین

این امر لزوم بررسی سیاست‌های سازگاری افراد فاقد سند هویتی در حوزه‌های آموزش و بهداشت و درمان را ضروری قلمداد می‌کند؛ امری که در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد.

فراوانی تحقیقات از دیدگاه‌های جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری و اهمیت وضعیت اقتصادی افراد ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی سبب شده است تا در زمینه توصیف وضع موجود مناطق حاشیه‌نشین در حوزه‌های اشتغال و مسکن نتایج مهمی به دست آید، اما در این پژوهش‌ها به دلیل نبود نگاه جامعه‌شناسانه، به نحوه اثرگذاری و سیاست‌های سازگاری حاشیه‌نشینان درباره اشتغال و مسکنشان توجه نشده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد به دلیل فقدان مدرک شناسایی، وضعیت افراد فاقد سند هویتی در زمینه اشتغال و کسب درآمد بسیار متفاوت از سایر حاشیه‌نشینان است؛ بر همین اساس در این تحقیق علاوه بر بررسی مقوله‌های ازدواج، تحصیل و آموزش، بهداشت و درمان، تفریحات، وسایل ارتباطی و تأمین اجتماعی، وضعیت افراد فاقد سند هویتی در حوزه‌های اشتغال و مسکن نیز بررسی شده است تا سیاست‌های سازگاری این افراد در این زمینه‌ها کشف و شناسایی شود.

در تعدادی از تحقیقات که از منظر اجتماعی، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های سکونتگاه‌های غیررسمی بررسی شده است، نتایج قابل قبولی درباره توصیف این توانایی‌ها به دست آمده است، اما تاکنون در هیچ تحقیقی به نحوه استفاده افراد فاقد سند هویتی از این توانایی‌ها و ظرفیت‌ها در راستای بهبود شرایط رفاهی‌شان توجه نشده است؛ امری که می‌تواند از منظر جامعه‌شناسی بسیار اهمیت داشته باشد؛ بدین منظور، در این تحقیق به صورت عمیق به ارتباط و نحوه استفاده افراد فاقد سند هویتی از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خویش و منطقه محل سکونت خود در زمینه بهبود وضعیت رفاهی‌شان پرداخته شده است.

چارچوب مفهومی

منظور از هویت اجتماعی این است که چه کسی هستیم، دیگران کیست‌اند و درک دیگران از خودشان و از افراد دیگر چیست؟ از این رو باید گفت هویت اجتماعی مانند معنی ذاتی نیست و محصول توافق یا نبود توافق است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷-۸). هویت اجتماعی به نوعی احساس تعلق فرد به یک جامعه است؛ به این صورت که او در مقابل معیارها و ارزش‌های جامعه خود احساس تعهد می‌کند و در امور گوناگون مشارکت می‌کند و به انتظاراتی که جامعه از او دارد، پاسخ می‌دهد. اجتماعی شدن نیز فرایندی از هویت‌یابی است که فرد طی آن در طول زندگی خود تمامی عناصر اجتماعی-فرهنگی محیط را فرامی‌گیرد و درونی می‌کند تا خود را با محیطی که در آن زیست می‌کند، تطبیق دهد (روشه، ۱۳۷۳). از منظر گیدنز نیز بین هویت شخصی و اجتماعی تفاوتی وجود ندارد. از نگاه وی، هویت شخصی در جریان اجتماعی شدن ساخته می‌شود و خود نوعی هویت اجتماعی است. از منظر گیدنز، هویت متناسب با تجربیات زندگی روزمره باید روزانه تنظیم و تجربه شود (حسین زاده، باقری و سلیمان نژاد، ۱۳۸۹).

هویت به معنی نوعی وحدت شخصیت است؛ به گونه‌ای که دیگران آن را تمیز دهند (رئوفی، ۱۳۸۹). هویت مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی شکل‌های فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند و به این واسطه ذهنیت افراد را شکل می‌دهد و مردم از طریق آن به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. در واقع به واسطه هویت است که مردم به دیگران و به خودشان می‌توانند بگویند چه کسی هستند و به گونه‌ای رفتار کنند که مشابه با تصویری باشد که دیگران از آنان دارند؛ از همین روست که جامعه‌شناسان، احساس هویت فردی را حاصل دیالکتیک میان فرد و جامعه می‌دانند؛ به عبارت دیگر هویت در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود پیدا می‌کند، اما بستر اصلی شکل‌گیری آن زندگی جمعی است. در واقع هویت در فرایند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری ساخته و پرداخته می‌شود و جدا از اجتماع معنایی ندارد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲-۲۲۵).

به تعبیر گیدنز نیز واقعیت ذهنی در خود آگاهی و واقعیت عینی در کنش اجتماعی قرار دارد و به این ترتیب هویت، آگاهی شخص، گروه و جامعه به خود است که در کنش‌های اجتماعی به صورت تدریجی شکل می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱-۸۲)؛ به عبارت دیگر هویت امروزی افراد نوعی دستاورد بازتابی است و همچون ماهیت زندگی روزمره تحت تأثیر عناصر محلی و جهانی در حال تغییر و دگرگونی است (حاجیان، ۱۳۸۸: ۸۶). از بعدی دیگر می‌توان گفت که هویت دربرگیرنده تمامی نقش‌ها و گرایش‌های فرد است و در جریان فرایندهای اجتماعی شکل می‌گیرد، باقی می‌ماند، تغییر می‌کند، از میان می‌رود و از نو شکل می‌گیرد؛ بنابراین هویت حاصل برخورد واقعیت ذهنی و عینی است که در برابر ساختار اجتماعی واکنش از خود نشان می‌دهد؛ از این رو می‌توان گفت که تمامی هویت‌های شکل گرفته در طول زندگی، حاصل فرایندهای اجتماعی و در ارتباط با ساختارهای اجتماعی و تاریخی‌اند (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵: ۲۳۶-۲۳۷).

از منظر جنکینز (۱۳۸۱) نیز هویت شیوه‌هایی است که به واسطه آن‌ها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد دیگر متمایز می‌شوند؛ به عبارت دیگر فرایند درک و شناسایی خود و فهم درک دیگران از آن، هویت‌یابی تلقی می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷-۸). به تعبیر جنکینز، هویت در اجتماع و در فرایندهای اولیه اجتماعی شدن شکل می‌گیرد و بعد از آن افراد در همان چارچوب شکل گرفته هویت خود را در زمان‌ها، مکان‌ها و تحت تأثیر متغیرهای گوناگون مدام تعریف و بازتعریف می‌کنند (حاجیان، ۱۳۸۸: ۸۴).

مفهوم طرد نیز از مفاهیم مهم این پژوهش است که از منظر گیدنز در دو شکل کلی وجود دارد: یکی از شکل‌های آن طرد اجباری است که به افرادی اشاره دارد که محرومیت و طرد را به خاطر جنسیت، نژاد، توانایی، طبقه و جایگاه، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تجربه می‌کنند. طرد اختیاری نیز به کسانی دلالت دارد که خودشان طرد یا گسستگی را از جامعه یا گروه انتخاب کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۸). از منظر گیدنز، طرد به معنی ضعف یا محدودیت شبکه‌های اجتماعی و گروهی است که به انزوا منتهی شده است.

مفهوم طرد اجتماعی بر عاملیت ناظر است. در واقع طرد فقط نتیجه طرد افراد نیست؛ بلکه ممکن است نتیجه کناره‌گیری داوطلبانه افراد از ابعاد و جنبه‌های گوناگون امور جامعه نیز باشد (نواح و حیدری، ۱۳۹۴).

طرد اجتماعی یکی از موضوعاتی است که همواره در رابطه با وضعیت رفاهی و فقر موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی بحث می‌شود. در همین رابطه می‌توان بیان کرد حاشیه‌نشینان به نهادهای دولتی و عمومی نوعی نگرش منفی دارند؛ از این رو باید گفت که فقر اقتصادی (نبود شغل رسمی) مهم‌ترین و بارزترین شکل طرد اجتماعی در این محلات است. احساس طرد اجتماعی در بین افراد فاقد سند هویتی متفاوت است؛ به طوری که افزایش تحصیلات و سواد افراد فاقد سند هویتی، افزایش احساس طرد اجتماعی را در بین آنان به همراه دارد. از سوی دیگر هرچه تعصبات و تعلقات قومی در بین این افراد تقویت شود، احساس طرد اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت.

همچنین هرچه نگرش فرد فاقد سند هویتی به هنجارهای قومی منفی باشد، از احساس طرد اجتماعی وی کاسته می‌شود. به علاوه نبود بافت‌های اقتصادی و تفریحی در سکونتگاه‌های غیررسمی است که باعث تقویت چرخه فقر نیز می‌شود. یکی از عوامل تشدیدکننده طرد اجتماعی وجود ارتباط سرد و تحقیرآمیز اهالی محلات رسمی با ساکنان مناطق حاشیه‌نشین است. این رفتار افراد ساکن در خارج از محدوده حاشیه شهرها موجب شده است که ارتباطات اجتماعی افراد ساکن در حاشیه شهر و افراد فاقد سند هویتی به اهالی محله خودشان منحصر باشد و از همین طریق نیز حاشیه‌نشینان هویت جمعی خویش را تقویت کنند (فکوهی و پارسا پزوه، ۱۳۸۷؛ نواح و حیدری، ۱۳۹۴).

تقویت هویت جمعی به واسطه فرایندهای قدرتمند طرد اجتماعی رسمی و غیررسمی باعث شده است که این دسته از افراد به اجبار استراتژی‌هایی برای گذران زندگی خودشان در پیش بگیرند که به نظام اشتراکی مدنظر سوسیالیست‌ها بی‌شابهت نیست. سوسیالیست‌ها نظام اشتراکی را نوعی اجتماع عمدی و هدفمند می‌دانستند که مردم محیط زندگی، علاقه‌مندی‌ها، ارزش‌ها، باورها و منابع و اموال خود را با یکدیگر به اشتراک

می‌گذارند (راجانی، ۲۰۱۹). این نوع نظام اشتراکی به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی از زمان افلاطون مورد توجه بوده است (افلاطون، ۱۳۶۷: ۳۵۴). اما از زمان ظهور اندیشه‌های سوسیالیستی در قرن ۱۹، از نظام اشتراکی به‌عنوان جامعه آرمانی یاد می‌شود (هالوی، ۲۵۳۵: ۴۹). هر چند هر کدام از نظریه‌پردازان سوسیالیسم با عناوین و ابعاد مختلفی از چنین جامعه‌ای یاد می‌کند از جامعه بی طبقه یا کمون گرفته تا فلاستر و اجتماع اشتراکی. در این تحقیق ابعاد خاصی از زندگی اشتراکی در زیست افراد فاقد سند هویتی مشاهده شد که با توجه به تفاوتی که با تعریف اصلی نظام اشتراکی دارد از آن به‌عنوان جامعه شبه اشتراکی یاد کردیم که شاخص‌های آن در قسمت یافته‌ها بسط یافته است.

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر به دلیل محدود بودن اطلاعات درباره‌ی الگوی سازگاری با شرایط دشوار اقتصادی و نبود شناخت کافی درباره‌ی افراد فاقد سند هویتی و سیاست‌هایی که این افراد برای بهبود و پایداری شرایط رفاهی خود اتخاذ می‌کنند، تنها با به‌کاربردن روش‌های کیفی تحقیق بود که امکان واکاوی این الگوها فراهم می‌شد؛ بدین ترتیب هدف پژوهش حاضر بیش از آنکه آزمون آن چیزی باشد که از پیش می‌دانیم، کشف و پروراندن نظریه‌های جدید و نظریه‌هایی است که بنیانی تجربی دارند. همچنین اعتبار این پژوهش با مراجعه به افراد مطالعه شده ارزیابی می‌شود و صرفاً از معیارهای انتزاعی علمی موجود در تحقیق کمی پیروی نمی‌کند (فلیک^۱، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷).

هدف تحقیق حاضر شناسایی سیاست‌های سازگاری ساکنان فاقد سند هویتی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد و رصد شیوه‌هایی به‌کارگرفته شده از سوی این افراد برای رسیدن به رفاه است؛ بنابراین در این پژوهش از روش نظریه‌زمینه‌ای که یکی از روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است، به‌منظور تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه

آماری مطالعه شده در این تحقیق همه ساکنان فاقد سند هویتی سکونتگاه‌های غیررسمی در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد در سال ۱۳۹۵ بودند که حداقل پنج سال از سکونت آن‌ها در این مناطق گذشته است. برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق تکنیک مصاحبه نیمه‌عمیق و نیمه ساختاریافته به کار رفته است. نوع نمونه‌گیری انجام شده نیز نمونه‌گیری با حداکثر تنوع^۱ بوده است. با استفاده از معیار اشباع نظری درباره تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد. در نهایت برای دستیابی به نمونه‌گیری نظری پذیرفته‌شده، با افراد ایرانی فاقد سند هویتی در محلات حاشیه شهر مشهد مصاحبه‌های نیمه‌عمیق انجام شد تا بتوان گونه‌شناسی مناسبی را درباره افراد فاقد اسناد هویتی استخراج کرد.

تحلیل داده‌ها

در این تحقیق در مجموع ۲۹ مصاحبه با مردان و زنانی انجام شده است که فاقد سند هویتی بودند و حداقل پنج سال از سکونت آنان در مناطق حاشیه‌ای گذشته بود. در جدول ۴ ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان ذکر شده است و برای حفظ ناشناس بودن مصاحبه‌شوندگان به هر کدام از آنان کدی اختصاص داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴- شمای کلی از مصاحبه‌شوندگان

جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل
مرد	۲۸	سوم ابتدایی	کارگر	زن	۵۳	بی‌سواد	کارگر
مرد	۱۹	پنجم ابتدایی	بیکار	زن	۲۵	نهیضت	بیکار
مرد	۱۹	پنجم ابتدایی	کارگر بازیافت	زن	۲۱	دوم ابتدایی	کارگر
مرد	۲۱	دوم ابتدایی	کارگر	زن	۴۰	بی‌سواد	کارگر
مرد	۱۸	سوم ابتدایی	بیکار	زن	۲۰	سوم ابتدایی	خانه‌دار
مرد	۲۸	پنجم ابتدایی	کارگر	زن	۳۱	سوم ابتدایی	کارگر
مرد	۱۹	بی‌سواد	کارگر بازیافت	زن	۱۶	پنجم ابتدایی	بیکار
مرد	۳۴	بی‌سواد	کارگر	زن	۲۴	نهیضت	بیکار
مرد	۲۵	پنجم ابتدایی	کارگر	زن	۲۲	نهیضت	بیکار
مرد	۱۸	بی‌سواد	کارگر	زن	۵۴	بی‌سواد	خانه‌دار
مرد	۲۰	پنجم ابتدایی	کارگر	زن	۱۹	پنجم ابتدایی	بیکار
مرد	۱۷	بی‌سواد	کارگر بازیافت	زن	۱۹	بی‌سواد	خانه‌دار
مرد	۲۱	دوم ابتدایی	کارگر	زن	۵۳	بی‌سواد	کارگر
مرد	۱۸	بی‌سواد	کارگر	زن	۳۰	بی‌سواد	بیکار
مرد	۲۱	بی‌سواد	کارگر				

پدیده مرکزی: تشکیل اجتماع شبه اشتراکی

وجود مشکلات و محرومیت‌های بی‌شمار افراد فاقد سند هویتی در کنار نداشتن حس مالکیت و وجود روابط خونی و قومی عمیق در بین این افراد سبب شده است که آن‌ها برای رفع مشکلات و چالش‌های زندگی خود و به‌منظور بهبود یا پایداری وضعیت رفاهی خود، یک اجتماع شبه اشتراکی را تشکیل دهند. همان‌طور که اشاره شد، نداشتن حس مالکیت در افراد فاقد سند هویتی یکی از ویژگی‌های مهمی است که موقعیت ساختاری این افراد را برایشان به وجود آورده است. نداشتن حس مالکیت به دلیل ناتوانی در مالک شدن موجب شده است که نگرش افراد فاقد سند هویتی به یکدیگر و نیز کنش‌های آن‌ها با یکدیگر با سایر افراد جامعه متفاوت باشد. افراد فاقد سند هویتی به دلیل نبود حس مالکیت در بینشان، کنش‌های دگرخواهانه و جمع‌گرایانه بسیار وسیع و عمیقی با یکدیگر دارند.

از تفاوت‌های زندگی افراد فاقد سند هویتی با سایر افراد جامعه می‌توان به زندگی فرزندان دیگر اقوام فاقد سند هویتی یا حتی افراد غریبه در بین آن‌ها، دادن بچه به یکدیگر، شیوه رفت‌وآمد آن‌ها با یکدیگر، تأمین هزینه‌های امرامعاش یکدیگر از قبیل خوراک و هزینه‌های روزانه زندگی و... نام برد. این اجتماع شبه اشتراکی از ویژگی‌هایی خاصی برخوردار است که موجب شده است افراد فاقد سند هویتی در حوزه‌های مختلف رفاهی خود سیاست‌های ویژه‌ای را اتخاذ کنند. در واقع این اجتماع شبه اشتراکی با ویژگی‌هایی که دارد، به افراد فاقد سند هویتی کمک می‌کند تا در حوزه‌های مختلف زندگی خود روش‌هایی را به‌منظور بهبود یا پایداری وضعیت رفاهی خود به‌کارگیرند و راهبردهایی را برای سازگاری با وضعیت دشوار زندگی‌شان اتخاذ کنند. خانواده هسته‌ای گسترده، بسیج شدن برای حل مشکلات یکدیگر، احترام به بزرگ‌ترها، انسجام درون‌گروهی بالا، وجود اعتماد اجتماعی بالا از جمله ابعاد این جامعه شبه اشتراکی است.

جدول ۵- شرایط علی

شرایط علی		
مقولات اولیه	مقولات محوری	حوزه
ترس از ازدواج با افراد فاقد سند هویتی، تمایل نداشتن به ازدواج، نامناسب دانستن افراد فاقد سند هویتی	نبود تمایل به وصلت با خانواده فاقد سند هویتی	حوزه ازدواج
تمایل نداشتن به ازدواج، ازدواج نکردن، احساس بد به ازدواج	نداشتن انگیزه برای ازدواج	
کار کردن در منزل، وضعیت بد اقتصادی، درآمد کم	نبود حمایت مالی و فعالیت در مشاغل خانگی و کم‌درآمد	حوزه اشتغال
ترس از رویارویی با پلیس، ترس از بازداشت شدن	ترس از حضور در اجتماع	
شرایط سخت راه‌اندازی کسب‌وکار، موانع قانونی برای ایجاد کسب‌وکار	ناتوانی در گرفتن مجوزهای فعالیت	
نداشتن هرگونه تسهیلات اجتماعی از سوی دولت، نداشتن بیمه، دریافت نکردن کمک از نهادهای دولتی	برخوردار نبودن از حمایت‌های دولتی	حوزه تأمین اجتماعی

در ادامه درباره شرایط علی در سه حوزه ازدواج، اشتغال و تأمین اجتماعی و مقولات محوری هریک توضیح داده می‌شود.

حوزه ازدواج

الف- نبود تمایل به وصلت با خانواده فاقد سند هویتی

از آنجاکه داشتن اسناد هویتی در ثبت ازدواج و نیز سایر بخش‌های زندگی لازم و دارای اهمیت است، در برخی موارد دختران از ازدواج با مردان فاقد اسناد هویتی امتناع می‌کنند و در پاره‌ای موارد نیز مردان حاضر به ازدواج با دختر فاقد اسناد هویتی نیستند.

بلوچ‌ها که به خاطر نداشتن مدارک هویتی قومی در حاشیه محسوب می‌شوند، از ازدواج با فارس‌ها ناامیدند و از ازدواج با بلوچ‌ها و افاغنه فاقد مدارک هویتی خودداری می‌کنند.

مادر یک دختر فاقد اسناد هویتی می‌گوید:

«الآن هرکی میاد می‌گه این مدرک نداره می‌خوایم چی کار. به بی‌مدرک کسی نمی‌تونه زن بده. نه می‌تونه به بی‌مدرک زن بده نه می‌تونه زن بی‌مدرک هم بگیره. من باید برا ماهگل کارت بگیرم بعد بدمش. بی‌مدرک هستن که میان می‌بینی معتاده».

پسری فاقد هویت علت مجرد ماندنش را این‌گونه بیان می‌کند:

«من کسی را دوست دارم و به خاله‌ام هم گفته‌ام، اما نمی‌شود؛ چون دختری که دوست دارم مدرک دارد و او را به من نمی‌دهند».

ب- نداشتن انگیزه برای ازدواج

از آنجاکه برخی از مصاحبه‌شوندگان دریافته‌اند ازدواج بدون داشتن اسناد هویتی باز تولید مشکلات زندگی خودشان برای فرزندان‌شان است، فعلاً تصمیمی برای ازدواج ندارند.

جوان دیگری نیز در این باره می‌گوید:

«ما داماد نشیم بهتره. کاری هم نداریم. خرج اون زن رو از کجا بیاریم بدیم؟ همان نگیریم بهتره!»

دختری که وضعیت ازدواج خواهرش را دیده است، بیان می‌کند:

«من الآن ازدواج هم کنم به خاطر اینکه شناسنامه ندارم، شاید مثل خواهرم بشم دیگه. همین طوری بهم گیر بدن یا دعوا کنند چیزی».

حوزه اشتغال

الف- نبود حمایت مالی و فعالیت در مشاغل خانگی و کم‌درآمد

بدون داشتن اسناد هویتی امکان فعالیت در بخش رسمی و دارای حقوق و مزایای متعارف وجود ندارد؛ به همین دلیل شغل بسیاری از افراد فاقد اسناد هویتی مشاغل خانگی و کم‌درآمد است. همچنین این گروه به دلیل نبود امکان جذب در بازار رسمی مجبورند در مشاغل خدماتی سطح پایین که متقاضی کمتری برای آن‌ها وجود دارد، به کار مشغول شوند؛ از این رو به‌رغم نیاز شدید مالی افراد فاقد اسناد هویتی به دلیل نداشتن حمایت‌های مالی، اغلب این افراد حداقل در دوره‌ای از زندگی با پس‌زدگی از کار ناشی از نداشتن مدارک مواجه می‌شوند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان که بیمار است، می‌گوید:

«دیگر بیمار هستم و پاهایم آرتروز دارد و نمی‌توانم کاری جز پاک کردن زعفران انجام بدهم و خرجمان از همین طریق می‌گذرد. این فصل که تمام شود، پسته و این‌طور چیزها اگر باشد می‌شکنم».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«شوهر من مدارکی نداره از بی‌مدارکی هیچ‌جا سرکار نیست. تا جوان‌تر بود، برای کارگری می‌بردنش، اما الان نمی‌برن. با چهارتا بچه مشکلات زندگی کلاً افتاده رو دوش و گردن من. صبح بلند می‌شم و می‌رم خونه مردم کار می‌کنم».

ب- ترس از حضور در اجتماع

یکی از تبعاتی که نداشتن اسناد هویتی برای مصاحبه‌شوندگان ایجاد کرده است، ترس از حضور در اجتماع است. مسلم است که عرصه اشتغال و فعالیت اجتماعی به علت رصد بیشتر مسئولان ذی‌ربط، عرصه هراس‌آورتری برای افراد فاقد اسناد هویتی است؛ بنابراین برخی از آنان مدت‌زمان کمتری را در این عرصه سپری می‌کنند.

یکی از مردان نیز نگرانی خود را این‌طور بیان می‌کند:

«اگر بیرون بروم، افغانی‌ها را می‌گیرند. فقط یک یا دو روز در هفته با ترس سرکار می‌رفتم که همان هم کفاف خرج زندگی را نمی‌داد».

یکی از زنان مصاحبه‌شونده در این باره می‌گوید:

«الآن بیست روز است که شوهرم در خانه است و چون مدارک ندارد، سر هیچ کاری نمی‌تواند برود».

ج- ناتوانی در گرفتن مجوزهای فعالیت

از دیگر مشکلات حوزه اشتغال افراد فاقد سند هویتی، ناتوانی این افراد در گرفتن مجوزهای شغلی و مهارتی است. گرفتن پروانه کسب، گواهینامه مهارت فنی و گواهینامه رانندگی مستلزم ارائه مدرک شناسایی به مؤسسه یا صنف مرتبط است. افراد فاقد سند هویتی به دلیل نداشتن مدرک شناسایی نمی‌توانند این مجوزها را برای راه‌اندازی یک شغل تهیه کنند. این موارد در همه مصاحبه‌ها به‌ویژه در مصاحبه با مردان فاقد سند هویتی بیان شده است؛ برای نمونه یکی از پسران جوان چنین بیان می‌کند:

«برای کار جواز و مدرک لازم است. اگر شناسنامه می‌داشتم، جواز می‌گرفتم و حقوق بیشتری به دست می‌آوردم».

یکی از دختران جوان نیز چنین اظهار می‌کند:

«چند ماهی خیاطی رفتم. بعد گفتن برم آموزشگاه، ولی چون مدرک نداشتم، نتونستم برم».

حوزه تأمین اجتماعی

الف- برخوردار نبودن از حمایت‌های دولتی

مهم‌ترین مشکل افراد فاقد سند هویتی در زمینه تأمین اجتماعی را می‌توان در یک مفهوم محوری با عنوان «برخوردار نبودن از حمایت‌های دولتی» خلاصه کرد. در حقیقت این افراد از هیچ تسهیلات دولتی و رسمی در دوران سالمندی یا از کارافتادگی برخوردار نیستند. نداشتن پوشش بیمه تأمین اجتماعی سبب شده است که افراد فاقد سند هویتی نتوانند از حقوق بازنشستگی استفاده کنند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌کند که نداشتن مدرک شناسایی به بیمه نشدن او

و در نتیجه نا برخوردار از مزایای بیمه بازنشستگی منجر شده است:

«موقعی که در ساختمان‌های بزرگ اطراف حرم کار می‌کردم، گفتند مدارکت را بیاور تا بیمه‌ات کنیم، ولی من مدرکی نداشتم».

از سوی دیگر، کمیته امداد نیز به‌عنوان یکی از نهادهای حمایتی دولت به دلیل اینکه مدرک شناسایی نداشتن افراد فاقد سند هویتی از این افراد حمایت نمی‌کند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«کمیته امداد که بدون مدارک اصلاً قبول نمی‌کنه. تنها جایی که من کمکی می‌گیرم که کمک آنچنانی هم نمی‌شه همین خیریه آبشار عاطفه‌هاست».

جدول ۶- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر		
مقولات اولیه	مقولات محوری	حوزه
نداشتن شرایط ادامه تحصیل، بازماندگی از تحصیل، نداشتن سواد خواندن و نوشتن	نداشتن امکان ادامه تحصیل	حوزه آموزش
ثبت خط تلفن به نام افراد دیگر، موانع قانونی برای ثبت رسمی وسایل	محرومیت از ثبت رسمی وسایل ارتباطی	حوزه وسایل ارتباطی

در ادامه درباره شرایط مداخله‌گر در حوزه‌های آموزش و وسایل ارتباطی و مقولات محوری هر یک توضیح داده می‌شود.

حوزه آموزش

الف- نداشتن امکان ادامه تحصیل

هیچ‌یک از مصاحبه‌شوندگان به خاطر نداشتن مدارک نتوانسته بودند فراتر از مقطع ابتدایی تحصیل کنند؛ این در حالی است که با پیگیری و دریافت نامه از سازمان‌های مربوط به امور اتباع این امر ممکن بوده است.

یکی از دختران که نتوانسته است حتی با پیگیری‌های مادرش درس بخواند، می‌گوید:

«دیگه سه کلاس خوندم. مامانم از آموزش و پرورش چند بار رفت و یک کاغذ گرفت. سه کلاس خوندم. بعد کلاس چهارم که می‌خواستم درس بخونم، چسبوندند به شناسنامه و کارت ملی و اینا که دیگه نرفتم».

یکی از مصاحبه‌شوندگان حسرتش را درباره‌ی نداشتن امکان تحصیل این‌گونه بیان می‌کند:

«من ایرانی نمی‌تونم درس بخونم».

یکی از دختران در این باره می‌گوید:

«کلاس قرآن هم می‌گویند باید حداقل سه کلاس از درس‌هایش را بخواند و بعد به کلاس قرآن بیاید. هر کاری می‌کنیم دستمان به جایی نمی‌رسد».

حوزه و سایل ارتباطی

الف - محرومیت از ثبت رسمی و سایل ارتباطی

از آنجا که ثبت اسناد مربوط به برخی اموال مستلزم داشتن مدارک هویتی است، افراد فاقد مدارک هویتی به لحاظ قانونی نمی‌توانند مالک اموال خود که به ثبت رسمی نیاز دارد، باشند. در چنین وضعیتی آن‌ها معمولاً از آشنایان دارای اسناد هویتی خود می‌خواهند به لحاظ صوری این مالکیت را دارا باشند که معمولاً در درجه اول بستگان نزدیک و سپس بستگان دورتر و اگر ممکن نبود، دوستان و سایر آشنایان به‌عنوان مالک این اموال محسوب خواهند شد.

مصاحبه‌شونده‌ای در این باره می‌گوید:

«منی توانم سیم کارت و کارت بانکی به نام خود داشته باشم؛ به همین خاطر سیم‌کارت‌م به نام زن برادرم است که شناسنامه دارد».

جدول ۷- شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای		
مقولات اولیه	مقولات محوری	حوزه
نداشتن وضعیت مالی مساعد برای تهیه مسکن، نداشتن مسکن، نداشتن سکونتگاه دائمی	نداشتن امکان تهیه مسکن	حوزه مسکن
ترس از دستگیری، ترس از رویارویی با مأمورها، ترس از فاش شدن نداشتن مدرک هویتی، نداشتن امکان تردد در شهرها و بین شهرها	محدودیت تردد در شهر و تفریحات و سفر	حوزه تفریحات
ترس از دستگیری، ترس از رویارویی با مأمورها	هراس از گذران اوقات فراغت در اجتماع	
نداشتن بیمه درمانی، فقر اقتصادی در تأمین هزینه‌های درمان، تبعیض در پذیرش در مراکز درمانی	نداشتن امکان استفاده از امکانات درمانی	حوزه بهداشت و درمان
نداشتن دانش درباره پیشگیری از بارداری، ناآشنایی با وسایل پیشگیری از بارداری، اعتقاد به فرزندآوری زیاد	ناآگاهی از شیوه‌های پیشگیری از بارداری	

در ادامه درباره شرایط زمینه‌ای در حوزه‌های مسکن، تفریحات و بهداشت و درمان و مقولات محوری هریک توضیح داده می‌شود.

حوزه مسکن

الف- نداشتن امکان تهیه مسکن

از آنجاکه افراد فاقد سند هویتی هیچ‌گونه مدرک شناسایی ندارند و از سوی دیگر برای اجاره کردن یا خرید منزل به نوشتن قولنامه نیاز است، این افراد به‌طور رسمی و قانونی نمی‌توانند برای خود و خانواده‌شان مسکن تهیه کنند.

در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان می‌کند:
«اگر بخواهیم خانه‌ای را قولنامه کنیم، باید مدرک داشته باشیم. هر جا می‌رویم، مدرک می‌خواهند.»

حوزه تفریحات

الف- محدودیت تردد در شهر و تفریحات و سفر

مقوله محدودیت تردد در شهر و سفر شامل نگرانی افراد فاقد اسناد هویتی برای تردد در سطح شهر و خروج از شهر به منظور زیارت و سیاحت است؛ زیرا این افراد اجازه خروج از شهر را ندارند و در صورت خروج امکان دستگیر شدن آنها وجود دارد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان دختر در این باره می‌گوید:

«ما جایی نمی‌تونیم بریم. ما الآن فقط می‌تونیم تا شاندیز و زشک بریم؛ برای اینکه نمی‌تونیم بلیت هواپیما یا قطار بگیریم. اتوبوس هم نمی‌تونیم سوار بشیم؛ چون ترس داریم اگر اتوبوس سوار بشیم بریم تهران، خدا می‌دونه بریم واقعاً تهران یا بریم اون ور.»

ب- هراس از گذران اوقات فراغت در اجتماع

به خاطر فقدان اسناد هویتی و هراس از حضور در اجتماع، افراد فاقد اسناد هویتی از امکان گذران اوقات فراغت محروم‌اند. از سوی دیگر، حتی در صورت امکان حضور آنها در اجتماع و تفریح، به دلیل فقر نیز فرصت‌های کمتری دارند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان زن در این باره می‌گوید:

«بیشتر تو خونه‌ایم. خیلی دوست داشتیم همسرمدارک داشته باشه و باهاش برم بیرون، پارک و سینما.»

حوزه بهداشت و درمان

الف- نداشتن امکان استفاده از امکانات درمانی

از دیگر مشکلات مربوط به درمان افراد فاقد سند هویتی، ناتوانی آن‌ها در مراجعه به دکتر و نبود امکان استفاده از امکانات درمانی است. این افراد به دلیل فقر اقتصادی قادر به پرداخت هزینه‌های درمان از جمله هزینه ویزیت دکتر نیستند. علاوه بر این، هنگامی که افراد فاقد سند هویتی برای درمان در مراکز درمانی پذیرش می‌شوند، به دلیل نداشتن مدرک شناسایی و به‌نوعی ایرانی محسوب نشدن، از سوی کارکنان کادر درمان با تبعیض‌هایی روبه‌رو می‌شوند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره نبود امکان استفاده از امکانات درمانی می‌گوید:
«الآن بدنم دچار حساسیت شده و قارچ گرفته است. می‌گویند آزمایش بگیر. پول آزمایش ندارم. می‌گویند ۲۶۰ هزار تومان است. خب اگر بیمه می‌بودم، کمتر می‌شد. این‌ها همه به خاطر بی‌مدرکی است».

یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌کند که به‌رغم بیماری‌هایی متعددی که مادرش دارد، نمی‌تواند او را به دکتر ببرد:
«مادرمون الآن پاهاش درد می‌کنه. زانوهایش خیلی درد می‌کنه. پوکی استخوان داره. نمی‌تونه بره دکتر. پول نداریم بیمه بشیم. آگه بره دکتر، پول داروهاش خیلی زیاده و نداریم».

یکی از مصاحبه‌شوندگان نیز از تفاوت هزینه واکسنی که از افراد فاقد سند هویتی در مقایسه با دیگران دریافت می‌شود، چنین بیان می‌کند:
«خیلی به ما برای بی‌مدارکی ظلم می‌شود. برای زدن واکسن به کسی که ایرانی است و مدارک دارد، ۳۰۰ تومان می‌گیرند، اما از من که ایرانی هستم اما مدارک ندارم، ۱۵ تا ۳۰ هزار تومان دریافت می‌کنند و این برای من خیلی ظلم است».

ب- ناآگاهی از شیوه‌های پیشگیری از بارداری

از دیگر مسائل مربوط به حوزه بهداشت افراد فاقد سند هویتی، بحث ناآگاهی آن‌ها یا اعتقاد نداشتن آن‌ها به شیوه‌های پیشگیری از بارداری است. فقر فرهنگی موجود در بین افراد فاقد سند هویتی حاشیه شهر موجب شده است که درباره شیوه‌های پیشگیری از بارداری اطلاع کافی نداشته باشند و بنابراین از این شیوه‌ها استفاده نکنند. یکی از زنان مصاحبه‌شونده به اعتقاد نداشتن نسل گذشته به استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری اشاره می‌کند:

«قبلاً که به بهداشت می‌رفتم، برای جلوگیری هیچ‌چی به ما نمی‌دادند. زمانی هم که می‌دادند، مادر و پدرم می‌گفتند که این کار گناه دارد و شما برای خدا شریک می‌گذارید و خیلی حساس هستند و از خدا می‌ترسند و می‌گویند خدا که بچه می‌دهد، خودش روزی هم می‌دهد».

ج- فقر اقتصادی

یکی از عمده‌ترین مشکلات افراد فاقد سند هویتی، نامناسب بودن یا نداشتن امکانات اولیه و اساسی در منزل خود است. اغلب این افراد به دلیل داشتن فقر اقتصادی قادر به تهیه ملزومات اولیه منزل خود نیستند.

یکی از دختران جوان درباره تجهیزیه خود و امکانات منزلش چنین می‌گوید:

«ما توانستیم جهاز بگیریم. با کمک پدر و مادر و برادر توانستیم فقط یک تلویزیون و یک یخچال بخریم و یک فرش از خانه مادرم آوردیم و نصف خانه ما خالی است و همین را هم اگر دیگران کمک نمی‌کردند، نداشتیم؛ حتی نمی‌توانستیم ازدواج کنیم».

جدول ۸- راهبردها (سیاست‌ها)

راهبردها		
مقولات اولیه	مقولات محوری	راهبردهای مطرح در هر حوزه
مراجعه به علمای اهل سنت برای عقد، عقد غیررسمی، انجام دادن صیغهٔ محرمیت	ثبت غیررسمی ازدواج	راهبردهای سازگاری در حوزهٔ ازدواج
ازدواج دختران فاقد سند هویتی با پسران دارای سند هویتی، ازدواج پسران فاقد سند هویتی با دختران دارای سند هویتی، ازدواج‌های درون‌گروهی	ازدواج با فرد یا بستگان دارای سند هویتی	
ثبت مسکن به نام خویشاوندان دارای مدرک هویتی، ثبت مسکن به نام اعضای خانوادهٔ دارای مدرک هویتی	ثبت اجاره‌نامه به نام افراد دارای سند هویتی	راهبردهای سازگاری در حوزهٔ مسکن
ثبت سند به‌واسطهٔ داشتن سرمایهٔ اجتماعی در محله، ثبت قولنامه به‌واسطهٔ به رسمیت شناخته شدن در میان اهالی محله	اجاره کردن مسکن راهبردی برای اعتمادسازی در محله	
زندگی با خویشاوندان در یک خانه، کاهش هزینه‌ها به‌وسیلهٔ یکی کردن محل سکونت با خویشاوندان دارای مدرک هویتی، هم‌نشینی افراد فاقد سند با یکدیگر در یک خانه	سکونت در منزل به همراه دیگر بستگان	
ساخت خانه برای افراد فاقد سند هویتی توسط افراد خیر، کمک به افراد فاقد سند هویتی برای یافتن مسکن	استفاده از کمک افراد خیر برای ساخت مسکن	راهبردهای سازگاری در حوزهٔ راهبردهای سازگاری در حوزهٔ
یافتن شغل از طریق معرفی دیگران به مراکز شغلی، یافتن شغل برای افراد فاقد سند هویتی به‌واسطهٔ وساطت نزدیکان دارای مدرک هویتی	پیدا کردن شغل از طریق وساطت یک آشنا	
اشتغال زن برای گذران زندگی، فعالیت‌های خانگی زنان برای گذران معیشت خانواده	کار کردن زن خانواده برای تأمین مخارج خانواده	

سیاست‌های سازگاری طبقات فرودست در...، فولادیان و همکاران | ۱۸۱

دریافت کارت تابعیت برای تردد در شهر، دریافت کارت تابعیت برای یافتن شغل	امکان کار کردن در مشاغل سخت از طریق گرفتن کارت تابعیت	اشتغال
کار در مشاغل آزاد، کار در مشاغلی با حداقل درآمد، کار در مشاغل پیدی	کار کردن در مشاغل با درآمد کم	
تحصیل از طریق مراجعه به خیریه‌ها، تحصیل غیررسمی از طریق مراجعه به نهضت‌های سوادآموزی، نداشتن مدرک تحصیلی باوجود دریافت آموزش، تحصیل و آموزش در مساجد اهل سنت	دریافت آموزش در مساجد و خیریه‌ها	راهبردهای سازگاری در حوزه آموزش و تحصیل
یادگیری مهارت از خویشاوندان، یادگیری مهارت‌های شغلی از مادر و پدر و سایر اعضای خانواده	کسب مهارت شغلی از طریق منابع غیررسمی	
مصرف داروهای گیاهی، اقدام به خوددرمانی	مصرف خودسرانه دارو	راهبردهای سازگاری در حوزه بهداشت و درمان
تفریح در زمین‌های مجاور منزل، شب‌نشینی در منازل یکدیگر، تفریح همراه با کار در زمین‌های کشاورزی	گذران اوقات فراغت به صورت جمعی	راهبردهای سازگاری در حوزه تفریحات و اوقات فراغت
استفاده از یک گوشی تلفن همراه در خانواده، استفاده از یک سیم‌کارت در خانواده	استفاده اشتراکی از سیم‌کارت و موبایل	راهبردهای سازگاری در حوزه وسایل ارتباطی
ثبت سند به نام افراد دارای سند هویتی، ثبت سیم‌کارت به نام خویشاوندان	خرید سیم‌کارت به نام یکی از اطرافیان دارای مدرک	
مراقبت از بیماران در خانواده، مراقبت از سالمنندان در خانواده، مراقبت زنان از سالمنندان، مراقبت از مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها	مراقبت از سالمنندان یا از کارافتادگان توسط دیگر اعضای اجتماع شبه اشتراکی	راهبردهای سازگاری در حوزه تأمین اجتماعی

در ادامه به راهبردهایی (سیاست‌ها) اشاره می‌شود که افراد فاقد مدارک هویتی در
رویارویی با مشکلات موجود در حوزه‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، به کار می‌برند.

۱- راهبردهای سازگاری در حوزه ازدواج

الف- ثبت غیررسمی ازدواج

از آنجا که ثبت رسمی ازدواج تنها در صورت داشتن مدارک هویتی ممکن است، افراد فاقد سند هویتی که غالباً بلوچ و اهل تسنن هستند، نمی‌توانند ازدواج‌های خود را به صورت رسمی در دفاتر ازدواج ثبت کنند؛ بنابراین برای انجام شدن عقد شرعی به علمای اهل سنت مراجعه می‌کنند و عقدنامه تنظیم می‌شود.

یکی از مصاحبه‌شوندگان که خودش فاقد مدرک هویتی و همسرش دارای مدرک هویتی است، در این باره می‌گوید:

«رفتیم محضر. گفت باید این هم مدرک داشته باشه. از طرف حرم رفتیم محضر. بعد خانوم مدرک داشت. من که نداشتم و گفتن باید این هم داشته باشه».

ب- ازدواج با فرد یا بستگان دارای سند هویتی

افراد فاقد سند هویتی این سیاست را به دو صورت به کار می‌برند: یکی ازدواج دختر فاقد سند هویتی با مرد غیر ایرانی دارای مدرک شناسایی و دیگری ازدواج مرد فاقد سند هویتی با دختر دارای مدرک شناسایی. شکل اول یعنی ازدواج دختران فاقد سند هویتی با مردان افغان سبب می‌شود تابعیت این دختران تابعیت افغان شود و فرزندان آنها نیز دیگر ایرانی محسوب نشوند. بخشی از افراد فاقد سند هویتی به‌ویژه جوانان فاقد سند هویتی حاشیه شهر مشهد از این دسته هستند؛ یعنی مادران ایرانی آنها با مردی افغان ازدواج کرده است و اکنون آنها هویت غیر ایرانی دارند.

یکی از دختران مصاحبه‌شونده فاقد هویت معتقد است:

«هرکسی میاد معتاده. تو خونه باشه، بهتر از ازدواج با معتاده‌است. تر و خشکی هست

با هم می‌خوریم. روزی رسون خداست».

در شکل دوم پسران فاقد سند هویتی می‌کوشند با دختری ازدواج کنند که دارای مدرک شناسایی است. این امر سبب می‌شود آنها بتوانند از مدرک شناسایی همسر خود

برای حل برخی از مشکلاتشان استفاده کنند. در حقیقت دختر دارای مدرک شناسایی از هنگامی که وارد یک خانواده فاقد سند هویتی می‌شود، نقش ویژه‌ای در بهبود مشکلات این خانواده دارد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان این گونه این اضطرار را بیان می‌کند:
«ما نمی‌توانیم با فرد دیگری وصلت کنیم. فقط باید کسی از بین خودمان را حتی اگر دیوانه بود، انتخاب کنیم و با او بسازیم.»

۲- راهبردهای سازگاری در حوزه مسکن

الف- ثبت اجاره‌نامه به نام افراد دارای سند هویتی

افراد فاقد سند هویتی برای قولنامه کردن خانه مجبور هستند از یکی از بستگان خود که دارای مدرک شناسایی است، بخواهند که قولنامه خانه را به اسم خودش تنظیم کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان که قولنامه خانه‌اش را به اسم یکی از بستگانش تنظیم کرده است، می‌گوید:
«خانه‌ام هم به اسم پسرعمویم قولنامه شده است.»

ب- اجاره کردن مسکن راهبردی برای اعتمادسازی در محله

برخی از افراد فاقد اسناد هویتی که در محل سکونت خود صاحب سرمایه اجتماعی شده‌اند، می‌توانند بدون ثبت قولنامه در خانه‌های آشنایان سکنی‌گزینند و بدون مدارک شناسایی در دفاتر معاملات املاک قولنامه خانه را ثبت کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«اگر بخواهیم خانه‌ای را قولنامه کنیم، باید مدرک داشته باشیم. در حال حاضر یکی از املاکی‌ها که شناس پدرم هستند اعتماد کردند و خانه‌ای را قولنامه کردند؛ وگرنه نمی‌توانستیم خانه‌ای اجاره کنیم؛ چون هر جا می‌رویم مدرک می‌خواهند.»

ج- سکونت در منزل به همراه دیگر بستگان

دیگر سیاست اتخاذ شده از سوی افراد فاقد سند هویتی به منظور تهیه سرپناه و مسکن برای خود، سکونت در منازل به همراه دیگر بستگان خود است. این بستگان ممکن است پدر و مادر آنها، برادران و خواهران آنها و در بعضی موارد سایر بستگان درجه دو باشند. می‌توان علت عمده این کار را نامناسب بودن وضعیت اقتصادی مالی این افراد و خانواده آنها دانست؛ زیرا آنها مجبور هستند برای کاهش هزینه‌های مسکن همچون میزان اجاره و رهن به صورت یک جا و دسته جمعی زندگی کنند تا هزینه‌ها بین آنها تقسیم شود. یکی دیگر از علت‌های انجام دادن این کار می‌تواند این باشد که چون تعدادی از آنها سند هویتی دارند و تعدادی ندارند، این همنشینی و سکونت در کنار یکدیگر باعث می‌شود افراد فاقد سند هویتی در مواقع لزوم از بستگان دارای مدرک شناسایی کمک بگیرند. در واقع همنشینی و همزیستی در کنار یکدیگر برای افراد فاقد سند هویتی احساس امنیت به همراه دارد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان همنشینی خود را این چنین بیان می‌کند:

«ما توی یک خانه دو تا سه تا خانواده با هم می‌شینیم. همه تازه عروس و داماد هستن. به خاطر اینکه اجاره نمی‌تونیم بدیم، با خالم توی یک خانه می‌شینیم».

د- استفاده از کمک افراد خیر برای ساخت مسکن

از دیگر سیاست‌هایی که افراد فاقد سند هویتی در حوزه مسکن برای خانه‌دار شدن خود بهره می‌برند، استفاده از کمک خیران برای ساخت مسکن است؛ البته این نوع سیاست در بین افراد فاقد سند هویتی به ندرت اتفاق می‌افتد؛ زیرا آنها به دلیل داشتن فقر فرهنگی ارتباط زیادی با اجتماع شهری ندارند؛ بنابراین قادر نیستند وضعیت معیشت خود را به اطلاع خیران برسانند و از کمک آنها بهره‌مند شوند.

در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان اذعان می‌دارد که با کمک یک خیر توانسته است زمینی را خریداری کند و سپس آن را بسازد:

«اول هفده شهریور به نام یکی از آشنایانمان که مدارک شناسایی داشتند، خانه گرفتیم و بعد به کمک خیران زمینی در منطقه قلعه خیابان خریداری کردیم. اکنون در همان منزل واقع در قلعه خیابان زندگی می‌کنیم.»

۳- راهبردهای سازگاری در حوزه اشتغال

الف- پیدا کردن شغل از طریق وساطت یک آشنا

پیدا شدن شغل برای افراد فاقد اسناد هویتی نیز مانند بسیاری دیگر از امور زندگی مستلزم داشتن اعتماد اجتماعی است. وساطت و سفارش اشخاصی که افراد فاقد سند هویتی را می‌شناسند و به آن‌ها اعتماد کامل دارند، سبب می‌شود کارفرمایان در به کارگیری افراد فاقد سند هویتی متقاعد شوند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان تجربه‌اش را این‌طور بیان می‌کند:

«من آشنایی داشتم که مرا آنجا معرفی کرد و من توانستم بدون مدارک مشغول به کار

شوم.»

ب- کار کردن زن خانواده برای تأمین مخارج خانواده

زنان فاقد سند هویتی پایه‌پای مردان خود برای کسب درآمد کار می‌کنند. در برخی موارد نیز مرد خانواده قادر به کار کردن نیست و زن خانواده برای تأمین هزینه‌های زندگی به کار کردن مشغول می‌شود.

مصاحبه‌شونده‌ای درباره کار کردن مادر خود چنین اظهار می‌کند:

«الآن این جوری خودمون افتادیم تو خونه. مادرمون خرج ما رو می‌ده. بابامونم که گذاشته رفته برای خودش. افغانی بوده و رفته افغانستان. ما هم دیگه همین جور نشستیم تو خونه. مادرم بدبخت خرج ما رو درمیاره.»

ج- امکان کار کردن در مشاغل سخت از طریق گرفتن کارت تابعیت

سیاست تغییر تابعیت خود به تابعیت افغان یکی از مهم‌ترین سیاست‌هایی است که افراد فاقد سند هویتی به‌ویژه مردان آن را به کار می‌برند. برخی افراد فاقد اسناد هویتی دریافته‌اند که تنها با داشتن مدارک شناسایی غیر ایرانی است که می‌توانند شغلی را بیابند و در تردد خود در شهر با مشکل روبرو نشوند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«هم برای شاگردی هم برای گرفتن مدرک فنی باید مدرک می‌داشتم. با کارت تابعیت هم نمی‌شه مدرک فنی و حرفه‌ای گرفت. برای کارهایی مثل بنایی، گچ‌کاری و کارگری می‌شه از کارت تابعیت استفاده کرد، ولی برای کارهای فنی کارت تابعیت را قبول نمی‌کنند. به هر حال مجبور شدم برای حداقل گذران زندگی کارت تابعیت بگیرم».

د- کار کردن در مشاغل با درآمد کم

برخی از افراد فاقد اسناد هویتی به علت کاستن از دروسهای نداشتن مدارک، جذب مشاغلی می‌شوند که به ارائه مدارک نیاز ندارند. این مشاغل عمدتاً از نوع مشاغل مربوط به ساختمان‌سازی از جمله بنایی، گچ‌کاری، کاشی‌کاری و... است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره شغل پدرش می‌گوید:

«پدرم اینجا هم می‌رفت کشاورزی. کاری نمی‌کرد که به شناسنامه نیاز باشه».

۴- راهبردهای سازگاری در حوزه آموزش و تحصیل

الف- دریافت آموزش در مساجد و خیریه‌ها

این سیاست شامل درس خواندن در خیریه و نهضت است. هر دوی این موارد بدون گرفتن مدرک معتبر تحصیلی و تنها برای دوره مقدماتی (مقطع ابتدایی) است. علاوه بر این،

۱. افرادی که می‌پذیرند کارت تابعیت بگیرند، دیگر هیچ‌وقت نمی‌توانند ادعای ایرانی بودن کنند.

تحصیل از طریق مسجد و خواندن دروس حوزوی اهل سنت نیز راهی برای دریافت آموزش است. بخشی از نوجوانان و جوانان پسر فاقد سند هویتی برای کسب سواد اولیه در حد قرآن آموزی و خواندن و نوشتن به مسجد اهل سنت محله خود مراجعه می‌کنند. این نوجوانان و جوانان پس از یادگیری مقدماتی دیگر ادامه تحصیل نمی‌دهند. بخشی دیگر از نوجوانان و جوانان پس از مراجعه به مسجد اهل سنت به ادامه تحصیل علاقه‌مند می‌شوند. این افراد به حوزه علمیه اهل سنت معرفی می‌شوند تا دوره‌های آموزشی بیشتر را در آنجا ادامه دهند.

یکی از افراد فاقد اسناد هویتی که توانسته است با پیگیری برادرش در حوزه علمیه اهل سنت ثبت‌نام کند، می‌گوید:

«به بدبختی همین جووری قبولش کردن دیگه. برادرم که شناسنامه ندارد. درس می‌خواند؛ طلبگی می‌خواند.»

یکی از دختران علاقه‌مند به تحصیل می‌گوید:

«من فقط توانستم در مسجد و نهضت‌ها درس بخوانم و فقط سواد قرآنی بیاموزم، اما دوست‌هایم درس خواندن و به دبیرستان و بعد هم دانشگاه رفتند، اما من فقط حسرت خوردم.»

کسب مهارت شغلی از طریق منابع غیررسمی

یکی دیگر از روش‌های کسب آموزش که افراد فاقد سند هویتی از آن استفاده می‌کنند، یادگیری مهارت‌های آموزشی (و نه تحصیلی) از طریق روش‌های خانگی و غیررسمی است. غالباً زنان و دختران جوان فاقد سند هویتی این سیاست را به کار می‌گیرند. یکی از مصاحبه‌شوندگان دختر که توانست از طریق غیررسمی مهارت کسب کند، می‌گوید:

«چون خیاطی داخل خونه بود (تونستم برم).»

۵- راهبردهای سازگاری در حوزه بهداشت و درمان

الف- مصرف خودسرانه دارو

اغلب خانواده‌های فاقد سند هویتی به علت داشتن فقر مالی و زیاد بودن هزینه‌های پزشکی قادر به مراجعه به دکتر یا مرکز درمانی نیستند؛ بنابراین مجبور هستند به صورت خودسرانه دارو مصرف کنند. این امر باعث شده است که برخی از خانواده‌های افراد فاقد سند هویتی برای درمان بیماران خود از داروهای گیاهی استفاده کنند.

مصاحبه‌شونده‌ای دربارهٔ درمان خودسرانه می‌گوید:

«از هر ده دفعه که بیمار بشویم، فقط یک بار می‌توانیم به دکتر برویم؛ چون هزینه‌ها خیلی گران است و هر نسخه ۲۰۰ هزار تومان می‌شود. ما هم مجبوریم فقط در مواقع ضروری که برای مثال دست‌وپایمان کج شود، به دکتر برویم.»

۶- راهبردهای سازگاری در حوزه تفریحات و اوقات فراغت

الف- گذران اوقات فراغت به صورت جمعی

وجود منازل افراد فاقد سند هویتی در حاشیه شهر و در مجاورت زمین‌های بایر و باغات صیفی‌جات موجب شده است کودکان این خانواده‌ها برای بازی و تفریح به این زمین‌ها بروند. سایر اعضای خانواده نیز بخشی از اوقات بیکاری خود را با حضور در این زمین‌ها سپری می‌کنند. علاوه بر این، حضور در منازل یکدیگر در ساعاتی از شب مانند شب‌نشینی‌های متداول در زمان‌های گذشته سبکی دیگر از گذران اوقات فراغت آنهاست. در واقع بخش درخور توجهی از اوقات فراغت افراد فاقد سند هویتی به رفت‌وآمد با یکدیگر سپری می‌شود. تفریح در محل اشتغال نیز گونه‌ای دیگر از گذران اوقات فراغت برای آنان است. این نوع تفریح اغلب در بین زنان به‌ویژه دختران جوان این خانواده‌ها مشاهده می‌شود. دختران جوان با حضور در باغ‌ها به قصد میوه‌چینی، علاوه بر جمع‌آوری میوه و کسب درآمد، اوقات فراغت خود را در کنار یکدیگر می‌گذرانند.

مصاحبه‌شونده‌ای در این باره می‌گوید:

«ما خیلی وقت‌ها شب‌ها می‌ریم خونه هم‌دیگه برای اینکه یک کمی با هم حرف بزیم، بگیم و بخندیم یا گاهی هم شده که می‌ریم تو زمینای اطراف با دخترای هم‌سن خودمون بازی می‌کنیم. باقی وقت‌ها هم که می‌ریم سر زمین وقت میوه‌چینی با بچه‌ها سروکله می‌زنیم و حرف می‌زنیم».

۷- راهبردهای سازگاری در حوزه وسایل ارتباطی

الف- استفاده اشتراکی سیم‌کارت و موبایل با اعضای خانواده

اولین سیاست درباره حوزه وسایل ارتباطی، استفاده مشترک افراد فاقد سند هویتی از تلفن همراه و سیم‌کارت در خانواده است؛ به‌بیانی‌دیگر، وسیله ارتباطی شخصی و خصوصی برای اعضای یک خانواده معنی ندارد و گاهی همه اعضای خانواده از یک سیم‌کارت و موبایل استفاده می‌کنند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«این گوشی مال دخترخواهرم است که از او چند وقتی امانت گرفتم تا پول‌هایم جمع شود و خودم یک گوشی بخرم».

ب- خرید سیم‌کارت یا موبایل به نام یکی از اطرافیان دارای مدرک شناسایی

برخی از افراد فاقد سند هویتی توانسته‌اند رضایت یکی از اطرافیان خود را که دارای مدرک شناسایی است، جلب کنند تا برای آن‌ها سیم‌کارت یا موبایل بخرد؛ البته افراد دارای مدرک شناسایی که چنین کاری را انجام می‌دهند، اغلب از اقوام یا وابستگان افراد فاقد سند هویتی هستند و به علت آشنایی و اعتماد به فرد فاقد سند هویتی است که حاضرند برای وی سیم‌کارت یا موبایل تهیه کنند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان زن می‌گوید:

«خط تلفنم را پسرعمویم که مدرک دارد برایم خریده است».

۸- راهبردهای سازگاری در حوزه تأمین اجتماعی

الف- مراقبت از سالمندان یا از کارافتادگان توسط دیگر اعضای اجتماع شبه اشتراکی

افراد فاقد سند هویتی فاقد هرگونه حمایت‌های دولتی در هنگام سالمندی یا از کارافتادگی هستند. این امر سبب شده است که در حوزه تأمین اجتماعی، مراقبت از سالمندان یا از کارافتادگان توسط دیگر اعضای خانواده، به‌عنوان اساسی‌ترین سیاست رفاهی اتخاذ شده قلمداد شود. همچنین بر اساس مشاهده‌های پژوهشگران مطالعه حاضر، در موارد نادری که فرد از کارافتاده فرزندی نداشته باشد، اقوام و غریبه‌های همین اجتماع از او نگهداری می‌کنند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان زن در این باره می‌گوید:

«در زمان پیری بچه‌ها از آن‌ها [پدر و مادرها] مراقبت می‌کنند. اگر شناسنامه هم نداشته باشند، بچه‌ها از او نگهداری می‌کنند.»

جدول ۹- پیامدها

مقولات اولیه	مقولات محوری
زندگی با خویشاوندان، همسفرگی با خویشاوندان، زندگی افراد فاقد سند با یکدیگر، زندگی با هم به‌عنوان راهی برای مقابله با مشکلات معیشتی	خانواده هسته‌ای گسترده
همراهی افراد فاقد سند هویتی با یکدیگر، حل مشکلات افراد فاقد سند هویتی با یکدیگر، حمایت افراد فاقد سند هویتی از یکدیگر	بسیج شدن برای حل مشکلات یکدیگر
اهمیت سالخوردگان در خانواده، احترام به سالمندان، احترام به بزرگ‌ترها	سالمندان به‌مثابه سرمایه اجتماعی
روحیه منسجم افراد فاقد سند هویتی با یکدیگر، انسجام درون‌گروهی زیاد	طرد اجتماعی و ایجاد همبستگی
قرض دادن پول به دیگری، نبود روحیه مخفی‌کاری در میان افراد فاقد سند هویتی، به اشتراک‌گذاری امکانات موجود در میان افراد، تمایل به ازدواج‌های فامیلی	سطح بالای اعتماد اجتماعی

در ادامه درباره پیامدها و مقولات محوری توضیح داده می‌شود.

۱- خانواده هسته‌ای گسترده

افراد فاقد سند هویتی نوعی «خانواده هسته‌ای گسترده» را شکل می‌دهند. الگوی زندگی افراد فاقد سند هویتی به گونه‌ای که خانواده‌های هسته‌ای معمولاً به صورت مشترک و در یکجا با هم زندگی می‌کنند و با یکدیگر مراداتی خارج از تشریفات و آداب معمول جامعه دارند؛ به عبارتی با یکدیگر کاملاً «همسفره» هستند. این الگو میزان حمایت‌های اعضای اجتماع شبه اشتراکی از یکدیگر را بسیار زیاد و فراگیر کرده است. این فراگیری بر مقولات مختلف رفاهی و راهبردهای افراد فاقد سند هویتی تأثیر گذار است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان زن در این باره بیان می‌کند:

«من و بچه‌هام با دو خانواده دیگه همه با هم توی یک خونه زندگی می‌کنیم. غذامون رو با هم می‌خوریم، با هم کار می‌کنیم و پول در میاریم».

ب- بسیج شدن برای حل مشکلات یکدیگر

وجود روابط خونی و قومی موجود در بین افراد فاقد سند هویتی موجب می‌شود هنگامی که یکی از افراد این اجتماع با مشکل یا چالشی مواجه شود، همه اعضای این اجتماع برای برطرف کردن مشکل وی همکاری کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان مرد در این باره می‌گوید:

«خب ما کلاً هوای آشناهامون رو داریم. یک بار سر یک مشکلی یک مقدار پول لازم داشتم، دو سه تا از دوستانم هر کاری تونستن برام کردن؛ البته منم همین‌طورم برای اونا».

ج- احترام به بزرگ‌ترها

از دیگر ویژگی‌های فرهنگی مهم اجتماع شبه اشتراکی، احترام به اعضای سالمندان این اجتماع است. در اجتماع شبه اشتراکی سالمندان از احترام اجتماعی فراوانی برخوردارند. خرده‌فرهنگ اجتماع شبه اشتراکی افراد فاقد سند هویتی به گونه‌ای است که همه اعضای اجتماع باید به سالمندان احترام بگذارند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان زن در این باره می‌گوید:

«بزرگ‌ترهامون برای ما خیلی مهم هستن. پدر و مادر شوهرم با ما زندگی می‌کنند. ما هر کاری بتونیم براشون می‌کنیم. تا هر وقت باشند باید پیش ما باشند. اون‌ها سرمایه‌های ما هستن».

د- طرد اجتماعی و ایجاد همبستگی

افراد فاقد سند هویتی به دلیل طرد ساختاری که با آن دست به‌گریبان‌اند، در اجتماع شبه‌اشتراکی خود بسیار منسجم هستند. این افراد در تجربه زیسته خود آموخته‌اند که با انسجام و همبستگی می‌توانند بسیاری از مشکلات زندگی خود را برطرف کنند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان دختر در این باره بیان می‌کند:

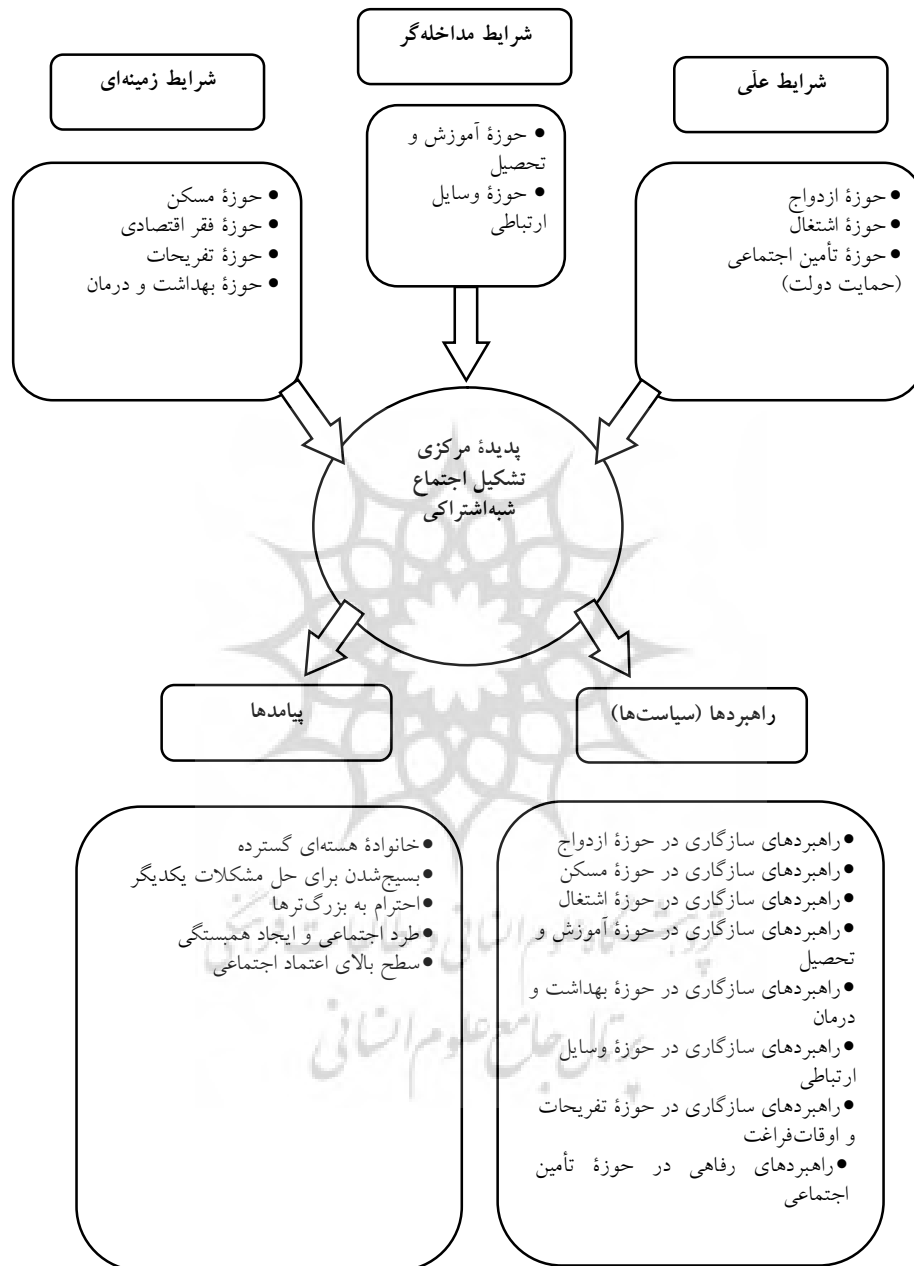
«ما نتوانستیم جهاز بگیریم. با کمک پدر و مادر و برادرم توانستیم فقط یک تلویزیون و یک یخچال بخریم و یک فرش از خانه مادرم آوردیم. اگر دیگران کمک نمی‌کردند، نمی‌توانستیم حتی ازدواج کنیم».

و- سطح بالای اعتماد اجتماعی

مراودات افراد فاقد سند هویتی حول محور اجتماع شبه‌اشتراکی بسیار زیاد است؛ از این رو این امر موجب شکل‌گیری اعتماد اجتماعی عمیق در بین آن‌ها شده است. قرض دادن و قرض گرفتن امکانات و پول، پنهان نکردن امکانات و مزایای خانوادگی خود از یکدیگر و ازدواج‌های فامیلی، از جمله مصادیق وجود اعتماد اجتماعی بالا در اجتماع شبه‌اشتراکی افراد فاقد سند هویتی است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان که خانم خانه‌داری است، در این باره می‌گوید:

«اهالی محله ما را می‌شناسند. چندین سال است همدیگر را می‌شناسیم و به ما اعتماد دارند و (بدون مدرک) خانه را به ما اجاره دادند».



شکل ۱- مدل پارادایمی اجتماع شبه‌اشتراکی

بحث و نتیجه‌گیری

افراد فاقد سند هویتی افرادی هستند که در مناطق حاشیه‌نشین شهر و در کنار دیگر حاشیه‌نشینان دارای مدرک شناسایی زندگی می‌کنند. این افراد به دلیل مشکلات و وضعیت زندگی خود که ناشی از نداشتن سند هویتی است، حاشیه‌نشین‌ترین افراد جامعه محسوب می‌شوند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت افراد فاقد سند هویتی فرودست‌ترین گروه در میان حاشیه‌نشینان شهری‌اند که در کشور در حال گذران زندگی‌شان هستند.

پژوهش حاضر با هدف شناسایی سیاست‌های (راهبردها) سازگاری افراد فاقد سند هویتی بررسی شد. به بیان دقیق‌تر، این پژوهش انجام شد تا مشخص شود افراد فاقد سند هویتی چه مشکلات و محرومیت‌هایی دارند، برای بهبود یا پایدار کردن وضعیت رفاهی و سازگاری خود با وضعیتشان در حوزه‌های مختلف رفاهی شامل ازدواج، اشتغال، مسکن، تحصیل و آموزش، بهداشت و درمان، تفریحات، وسایل ارتباطی و تأمین اجتماعی چه راهبردهایی را به کار می‌گیرند و چگونه سعی می‌کنند خود را از چرخه فقر خارج کنند.

یافته‌ها نشان داد پدیده مرکزی این پژوهش ناظر بر جامعه شبه اشتراکی است. در توضیح جامعه شبه اشتراکی باید گفت نظر به مشکلات و محرومیت‌هایی که افراد فاقد سند هویتی در طول زندگی خود تجربه می‌کنند، با توجه به ویژگی‌ها و وضعیت مشابهی که میان خود با دیگران فاقد سند هویتی می‌یابند، اقدام به تشکیل جامعه شبه اشتراکی می‌کنند. آن‌ها با این هدف این جامعه شبه اشتراکی را شکل می‌دهند تا از رهگذر آن بتوانند مقاومت سازنده‌ای در برابر چالش‌های پیش روی خود در زندگی داشته باشند و از خلال این مقاومت بتوانند در راستای بهبود و پایداری وضعیت رفاهی‌شان تلاش کنند و در فرایند تحرک اجتماعی قرار بگیرند.

در هر کشوری سیستمی برای تحرک اجتماعی شهروندان آن وجود دارد؛ سیستمی که به کنشگران انسانی امکان تحرک و جابه‌جایی از طبقات فرودست و فقیر به طبقات فرادست و برعکس را می‌دهد. فقر تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله سطح پایین توانایی‌ها، قابلیت‌های جسمی، ذهنی و تخصصی افراد و دسترسی نداشتن آنان به

سرمایه‌های انسانی مناسب شکل می‌گیرد (شعبانزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲). در واقع فقر چیزی فراتر از سطح کم‌درآمد یا سطح پایین توسعه انسانی است (صانعی و راغفر، ۱۳۸۹: ۱۷۵). بر اساس نظریه فرهنگ فقر، مقوله فقر ریشه در نظام اقتصادی و فرهنگی دارد؛ یعنی فقر به‌عنوان شیوه‌ای از زندگی از طریق انتقال مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌هایی به وجود می‌آید که همواره از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. (موسایی و خورشیدی، ۱۳۹۵: ۱۵).

باید افزود که والدین نامناسب، ازدواج‌های ناموفق و خانواده ناپایدار، بیکاری و اشتغال بدون تخصص و کم‌درآمد، شکست و افت تحصیلی، محرومیت عاطفی و اجتماعی و فکری کودکان و آموزش و پرورش ناکارآمد، از مهم‌ترین ابعاد چرخه محرومیت یا فقر هستند (پیران، ۱۳۷۵: ۱۰۳). همان‌طور که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، کنشگران فاقد سند هویتی در زندگی خود عموماً در این چرخه فقر و محرومیت قرار می‌گیرند و ساختارهای رسمی و دولتی، نبود آموزش و تعلیم و تربیت رسمی نیز حضور آنان را در این چرخه تقویت می‌کنند. اسلام^۱ (۲۰۰۵)، قادری و افضلی (۱۳۹۰) و کلاسن و وایبل^۲ (۲۰۱۶) نیز اشاره کرده‌اند که خانواده‌هایی که دچار فقر مزمن می‌شوند، در طی زمان ضعیف خواهند شد؛ به‌گونه‌ای که دیگر قادر به خارج شدن از وضعیت فقرآمیز خود نیستند.

به دلیل فقر موجود در این خانواده‌ها منابع و فرصت‌های لازم برای درپیش‌گرفتن سبک‌های زندگی طبقه متوسط وجود ندارد. وابستگی به دیگران، ناتوانی در تصمیم‌گیری مؤثر و احساس بی‌قدرتی از مشخصه‌های این نوع وضعیت است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، در این وضعیت، آموزش و تعلیم و تربیت رسمی و آگاهی‌بخشی می‌تواند به‌مثابه راهبردی در جهت ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی کنشگران فاقد سند هویتی باشد که در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی‌شان آسیب‌پذیرند.

1. Islam

2. Klasen & Waible

بنابراین یکی از راهبردهای مهم پیشرفت و توانمندی کنشگرانی که در فقر زندگی می‌کنند، ارتقای سطح آموزش، گسترش فرصت‌های تحصیل و بهداشت آنهاست (Atkinson & Hills, 1998; Klasen, 2000). طبق رویکرد قابلیت‌های فقر آمارتیا سن^۱، رفع فقر با تأکید بر اهمیت تمرکز بر توانمندسازی و رشد قابلیت‌های فردی و جمعی امکان‌پذیر است (Frediani, 2010). مفهوم آموزش یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه‌انسانی، فقر و نابرابری است (Becker, 2002). آموزش به دلیل تأثیری که بر ارتقای سطح کارآمدی و بهره‌وری دارد، دارای اهمیت است؛ زیرا ارتقای سطح کارآمدی و کیفیت زندگی می‌تواند به کاهش فقر و توسعه اقتصادی منجر شود (Raja, 2005)؛ به‌این ترتیب محرومیت مادی، محرومیت از آموزش و پرورش، احساس ناامنی و مواجهه مداوم با خطر، نداشتن مسکن و ناتوانی در امرارمعاش از ابعاد مهم فقر است (Siaens & Wodon, 2001).

افزایش سطح آموزش و تربیت رسمی و در مواردی تربیت غیررسمی می‌تواند توانمندی کنشگرانی را افزایش دهد که در مسیر فقر هستند؛ به‌عبارت‌دیگر، افرادی که در زمینه شغل یا حرفه‌ای آموزش می‌بینند یا در خانواده‌ای برخوردار از تحصیلات بالاتر و تجربه‌های اجتماعی غنی‌تر پرورش می‌یابند، اغلب از مهارت‌یابی رفتاری و حرفه‌ای بهره‌مند می‌شوند که شرایط کسب درآمد بیشتر برای آنان فراهم می‌شود؛ بنابراین آموزش جزو جدانشدنی سیاست‌های توسعه سرمایه‌انسانی و فقرزدایی از اعضای جامعه است (شعبان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴)؛ زیرا نیروی کار تحصیل کرده و آموزش‌دیده، فناوری و شیوه‌های نوین تولید را به کار می‌گیرد و بر اساس این شیوه‌ها سطح درآمد و زندگی خود را ارتقا می‌دهد؛ به‌این ترتیب آموزش و تعلیم و تربیت رسمی بر فقر و بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است (Afzal et al., 2010).

بر اساس یافته‌های این پژوهش و طبق مدل پارادایمی اجتماع شبه اشتراکی (شکل ۱)، شرایطی که کنشگران فاقد سند هویتی را در بعد ازدواج و اشتغال احاطه کرده است، وضعیتی را ایجاد کرده است که موجب شده است عموماً آنها تمایلی به وصلت با

1. Amartya Sen

خانواده‌های فاقد سند هویتی نداشته باشند و انگیزه ازدواج در آنان به علت نداشتن سند هویتی کم شده است؛ به این ترتیب گزینه‌هایی که برای ازدواج با آنان نیز وجود دارد، به مراتب کمتر از دیگران است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، در بُعد اشتغال نیز مصاحبه‌شوندگان که فاقد سند هویتی بودند، عموماً به فعالیت در مشاغل خانگی و کم‌درآمد و سخت‌می‌پردازند. به علاوه استمرار نداشتن حضور آن‌ها در شغل خود به دلیل ترس از حضور در اجتماع، ناتوانی در انتخاب شغل مناسب، وجود تبعیض در شرایط کاری در مقایسه با دیگران، امکان بیکارشدن آنان در کنار برخوردار نبودن از حمایت‌های دولتی از مهم‌ترین شرایط علی بودند که پدیده مرکزی این مطالعه را احاطه کرده‌اند. این شرایط علی با یافته‌های پژوهش‌های صادقی (۱۳۸۹)، علاءالدینی و همکاران (۱۳۹۰) و سالاروندیان و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

علاوه بر شرایط علی به دست آمده از پژوهش حاضر، مواردی نظیر نداشتن امکان ادامه تحصیل، ناتوانی در پرداخت هزینه‌های تحصیل فرزند به عنوان شرایط مداخله‌گر، نداشتن امکان تهیه مسکن، نداشتن امکان گذران اوقات فراغت در اجتماع، فقر اقتصادی، نداشتن امکان استفاده از امکانات درمانی به دلیل نداشتن پوشش بیمه‌ای و تبعیض در پذیرش و درمان افراد فاقد سند هویتی و ناآگاهی این کنشگران از شیوه‌های پیشگیری از بارداری به عنوان شرایط زمینه‌ای بر تشکیل جامعه شبه اشتراکی مؤثر بوده است. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش، توانایی کم افراد فاقد مدرک هویتی در استفاده از فرصت‌هایی است که جامعه برای اعضای دارای مدرک شناسایی فراهم کرده است، شانس کم تحصیل و ازدواج رسمی، برخوردار نبودن از تسهیلات و خدمات رفاهی جامعه، پایدار نبودن اشتغال آن‌ها و روی آوردن به مشاغل کم‌درآمد ویدی از مهم‌ترین محرومیت‌ها و مشکلات موجود در زندگی افراد فاقد سند هویتی است (مراجعه کنید به: ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۳)، پورمحمدی و جهان‌بین (۱۳۸۸)، نقدی و زارع (۱۳۸۹)، شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) و خاکپور (۱۳۹۴)).

در چنین شرایطی، پدیده مرکزی این مطالعه یعنی اجتماع شبه اشتراکی به وجود می‌آید. در چنین اجتماعی کنشگران فاقد سند هویتی برای اشتراک بیشتر با یکدیگر سیاست‌هایی (راهبردها) کنشی در ابعاد ازدواج، اشتغال، تفریح، مسکن، بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی در پیش می‌گیرند. همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نشان داد، اتخاذ این سیاست‌ها (راهبردها) از سوی کنشگران فاقد سند هویتی به تشکیل خانواده‌های هسته‌ای گسترده، بسیج‌شدن افراد فاقد سند هویتی با هم برای حل مشکلات یکدیگر، احترام به بزرگ‌ترها، انسجام درون‌گروهی زیاد و وجود اعتماد اجتماعی میان آنان منجر می‌شود.

در نهایت بر اساس یافته‌های پژوهش، سیاست‌ها یا راهبردهای سازگاری به‌کارگرفته‌شده توسط افراد فاقد سند هویتی نشان می‌دهد که اجتماع شبه اشتراکی در ایجاد این سیاست‌ها نقش تأثیرگذاری داشته است. ازدواج با فرد دارای مدرک شناسایی، ساخت مسکن به‌صورت غیرقانونی، کار کردن همه اعضای خانواده در مشاغل کاری، تحصیل در خیریه یا مسجد، مصرف خودسرانه دارو، استفاده اشتراکی از سیم کارت و موبایل با سایر اعضای خانواده، انجام دادن تفریحات و اوقات فراغت به‌صورت دسته‌جمعی و حمایت از سالمندان، از مهم‌ترین سیاست‌هایی (راهبردها) است که افراد فاقد سند هویتی در زمینه مقوله‌های رفاهی خود به کار می‌گیرند؛ به‌این ترتیب تشکیل جامعه شبه اشتراکی آن پدیده‌ای است که به تحقق منحصربه‌فرد کنشگران فاقد سند هویتی کمک می‌کند؛ زیرا هویت فردی هر کنشگر به‌واسطه حضور در این اجتماع شبه اشتراکی تقویت می‌شود و ثبات می‌یابد.

منابع

- افلاطون. (۱۳۶۷)، دوره آثار، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
- آقابخشی، حبیب‌اله. (۱۳۸۱)، «نظام مشارکت مردم در مناطق حاشیه‌نشین»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۶: ۲۲۳-۲۳۴.
- امیرفخریان، محمد مهدی؛ رهنما، محمدرحیم و آقاجانی، حسین. (۱۳۹۱)، «اولویت‌بندی نیاز به خدمات بهداشتی-درمانی محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد بر اساس سیستم پشتیبانی فضایی چندمعیاره»، مجله آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۶: ۱۷-۳۷.
- برگرگ، پتر و لوکمان، توماس. (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی-فرهنگی.
- پارسا پزوه، سپیده. (۱۳۸۱)، «نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی: اسلام‌آباد کرج)»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۶: ۱۶۱-۱۹۷.
- پورمحمدی، محمدرضا و جهان‌بین، رضا. (۱۳۸۸)، «ادامه حیات اسکان غیررسمی و رویکرد توانمندسازی به مثابه نوین‌ترین راهبرد مقابله با آن»، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، شماره ۱: ۳۳-۵۲.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۵)، «فقر و آسیب‌های اجتماعی»، سمینار فقر و فقرزدایی، تهران: سازمان بهزیستی کشور.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۰)، «تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۶: ۲۷-۴۸.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- خاکپور، براتعلی. (۱۳۹۴)، «سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین و بازار کار شهری (مطالعه موردی: جامعه زنان محله‌های اسکان غیررسمی تبریز)»، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، شماره ۱: ۶۹-۸۰.

۲۰۰ | فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، بهار ۱۴۰۱

- خواجه‌صالحانی، افسانه و اعظم آزاده، منصوره. (۱۳۹۴)، «تشخیص محلّه و احساس طرد اجتماعی (مطالعه موردی شهر پاکدشت)»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۵۹: ۹۱-۱۲۰.

- ربانی خوراسگانی، رسول؛ کلانتری، صمد و یاوری، نفیسه. (۱۳۸۳)، «پدیده حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن (ارزان و دارک اصفهان)»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲: ۱۱۹-۱۵۴.

- ریشه، گی. (۱۳۷۰)، کنش اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

- رئوفی، محمود. (۱۳۸۹)، «مؤلفه‌های هویت دینی»، دین و ارتباطات، سال هفدهم، شماره ۱ و ۲: ۹۱-۱۱۲.

- سالاروندیان، فاطمه؛ حسینی، سیدعلی؛ حبیبی، لیلا و جعفری مهرآبادی، مریم. (۱۳۹۵)، «نقش مشاغل غیررسمی در تسکین اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: حصار امیر پاکدشت)»، اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۱۴: ۱۳۷-۱۵۷.

- شریفی‌نیا، زهرا؛ نورا، محمدرضا و سنگل، مهدی. (۱۳۹۰)، «توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی (مطالعه موردی: محله غلام‌تپه بزی شهرستان آزادشهر)»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۲: ۱۲۱-۱۳۴.

- شعبان‌زاده، مهدی؛ محمدی، حمید؛ اسفنجاری کناری، رضا و دهیاشی، وحید. (۱۳۹۴)، «ارتباط کمی بین فقر، آموزش و تولید ناخالص داخلی ایران طی سال‌های ۸۹-۱۳۶۳»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۵۸: ۳۷-۶۱.

- شیخی، محمد و امانیان، ابوالفضل. (۱۳۸۹)، «عاملیت انسانی و فقر: بررسی ارتباط کنش مؤثر فردی با فقر اقتصادی در مهاجرین حاشیه‌نشین کلان‌شهر تبریز»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۴: ۶۷-۹۲.

- صادقی، یداله. (۱۳۸۹)، «فقرزدایی و تأمین رفاه سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد مقتدر سازی در میان‌آباد در اسلامشهر»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۳۷: ۱۵۵-۱۸۶.

سیاست‌های سازگاری طبقات فرودست در...، فولادیان و همکاران | ۲۰۱

- صانعی، لیلا و راغفر، حسین. (۱۳۸۹)، «اندازه‌گیری آسیب‌پذیری کودکان کشور در مقابل فقر»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۹، شماره ۳۵: ۱۶۱-۱۸۷.
- صدیق اورعی، شهیده و صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۳۹۳)، «بررسی اولویت‌های رفاهی در خانواده‌های منطقه ۹ شهر مشهد»، معرفت فرهنگی و اجتماعی، سال ششم، شماره ۱: ۵-۲۴.
- طالبی، ابوتراب و ملکوتی، معراج السادات. (۱۳۹۳)، «مسئله هویت در کودکان بدون شناسنامه»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۸: ۳۵-۶۳.
- علاءالدینی، پویا؛ دانشمن، اووه و شهریاری، هلن. (۱۳۹۰)، «سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران: ارزیابی وضعیت بندرعباس، کرمانشاه و زاهدان»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال اول، شماره ۱: ۳۵-۵۹.
- فتح‌زاده، حیدر و زاهد زاهدانی، سیدسعید. (۱۳۹۴)، «برنامه‌ریزی راهبردی به‌منظور توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین (محلات حاشیه‌نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره‌سی تبریز)»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، شماره ۶: ۶۱-۸۸.
- فکوهی، ناصر و پارسا پژوه، سپیده. (۱۳۸۷)، «بررسی انسان‌شناختی محله آلونک‌نشین علی‌آباد مهران»، مطالعات اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲: ۷۵-۹۸.
- قادری، طاهره و افضلی، مرضیه. (۱۳۹۰)، «چگونگی برساخته‌شدن واقعیت فقر برای فقرا (مقایسه زنان زیرپوشش جمعیت امام علی (ع) با مردان زیرپوشش این جمعیت)»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۷: ۹۹-۱۳۶.
- قرخلو، مهدی و میره، محمد. (۱۳۸۶)، «توانمندسازی اجتماعی، راه‌حلی برای حاشیه‌نشینی (شیخ‌آباد قم)»، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، سال دوم، شماره ۳: ۱۱۱-۱۲۶.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱)، جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- محمودی، وحید و صمیمی‌فر، سید قاسم. (۱۳۸۴)، «مفهوم و روش‌های سنجش و اندازه‌گیری فقر و نابرابری/ فقر قابلیت»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷: ۳۱-۹.

۲۰۲ | فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، بهار ۱۴۰۱

- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰)، «گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰»، برگرفته از:

https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1390/sarshomari90_nahaii.pdf
- موسایی، میثم و خورشیدی، رضا. (۱۳۹۵)، «جامعه‌شناسی فقر»، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۷۲: ۱۴-۱۷.

- نجفی، سعید؛ احدنژاد، محسن و دویران، اسماعیل. (۱۳۹۴)، «ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهرها (موردشناسی: محله اسلام‌آباد شهر زنجان)»، جغرافیا و آمایش شهری، شماره ۱۶: ۷۵-۹۰.

- نقدی، اسداله و زارع، صادق. (۱۳۸۹)، «جهان چهارم ایرانی - سیمای «زیست حاشیه‌ای» و «مسائل شهری» در همدان و برخی راه‌چاره‌ها»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳: ۱۶۶-۱۴۵.

- نواح، عبدالرضا و حیدری، خیری. (۱۳۹۵)، «بررسی هویت قومی و تأثیر آن بر احساس طرد اجتماعی (مورد مطالعه: عرب‌های شهر اهواز)»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱۸: ۵۹-۸۴.

- یوسفی، علی؛ موسوی، سیدمهدی و حسینی، آمنه‌سادات. (۱۳۹۳)، «شبکه اجتماعی مهاجران افغان در مشهد (مورد پژوهش: مهاجران ساکن شهرک گلشهر)»، دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱: ۲۱۳-۲۳۹.

- یوسفی، علی و ورشوئی، سمیه. (۱۳۸۹)، «نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد: برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۴: ۹۷۰-۱۲۵.

- هالوی، الی. (۲۵۳۵)، تاریخ سوسیالیسم اروپایی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal, and Sadeghi, Rasoul. (2015). "Sociocultural adaptation of second-generation Afghans in Iran". *International Migration*, 53(6), 89-110.
- Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal, Sadeghi, Rasoul, Mahmoudian, Hossein, and Jamshidiha, Gholamreza. (2012). "Marriage and family formation of the

- second-generation Afghans in Iran: Insights from a qualitative study". *International Migration Review*, 46(4), 828-860.
- Afzal, Muhammad, Farooq, Muhammad Shahid, Ahmad, Khalil, Begum, Ishrat., and Quddus, Abdul. (2010). "Relationship between school education and economic growth in Pakistan: ARDL bounds testing approach to cointegration". *Pakistan Economic and Social Review*, 48(1), 39-60.
 - Atkinson, A B., and Hills, John. (1998). *Exclusion, employment and opportunity*. LSE STICERD research paper no. CASE004. Retrieved from <https://core.ac.uk/download/pdf/201262.pdf>
 - Becker, Gary. S. (2002). *Human capital: A theoretical and empirical analysis with special reference to education*. Chicago: The University of Chicago Press.
 - Frediani, Alexandre Apsan. (2010). "Sen's capability Approach as a framework to the practice of development". *Development in Practice*, 20(2), 173-187.
 - Klasen, Stephan, and Waibel, Hermann. (Eds.). (2016). *Vulnerability to poverty: Theory, measurement and determinants, with case studies from Thailand and Vietnam*. London: Palgrave Macmillan.
 - Islam, S. Aminul. (2005). "Sociology of poverty: Quest for a new horizon". *Bangladesh e-Journal of Sociology*, 2(1), 1-7.
 - Klasen, Stephan. (2000). "Measuring poverty and deprivation in South Africa". *Review of Income and Wealth*, 46(1), 33-58.
 - Narayan, Deepa, Chambers, Robert, Shah, Meera K., and Petesch, Patti. (2000). *Voices of the poor: Crying out for change*. New York: Oxford University Press for the World Bank.
 - Raja, Nazir. (2005). "Humanization of education in Pakistan through Freire's concept of literacy". *Asia Pacific Education Review*, 6(1), 1-6
 - Siaens, Corrine, and Wodon, Quentin. (2001). *Access to basic infrastructure services, poverty, and inequality*. Washington, DC: World Bank.